کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب مریح الملک (قسمتی)
مؤلف
موضوع
شماره قفسه ۸۰۳۸
شماره ثبت کتاب
۸۴۱۶
۶۲۰۷۷
۶

بازدید شد
۱۳۸۲

بازرسی شد
۱۶ - ۲۷

۸۰۳۸
۴۸۶۱

۹۹۰۱

مجلس شورای ملی

وسادی دویست تومان نقد وچهارصد خروار جنس است واراضی آن
قریب سه هزار جریب مساحت وصورت عملش در دفاتر بدیکونه ثبت است

دزنی قریه ایست رود آب هفتاد ودو دهه از جوسی وشش حبه آن خالصه
وسی شش حبه دیگرش وقفی پنجه انگ آن مزروعی سرکار ویکه انگ دیگر آن
مزروعی حاجی صادق بذرشتوی آن سی خروار وزرع صیفی در آنجا کمتر
میشود محصول عادی آن یکصد خروار جنس است واراضی آن قریب سه هزار
وسیصد جریب مساحت وصورت عملش در دفاتر بدیکونه ضبط وثبت است

رجان قریه ایست رود آب هفتاد و دو حبه سی و دو حبه آن خالصه و
تتمه دیگرش وقفی مزروعی سرکار بذرشتوی آن ده خروار و زرع صیفی
آن ده جریب علی الاستمرارات و محصول عایدی دیوان بدون
آفات ارضی وسماوی در سال ده تومان نقد و پنج خروار
جنس است اراضی آن قریب بچهارصد جریب مساحت و صورت عملش
در دفاتر بدینگونه ضبط و ثبت است

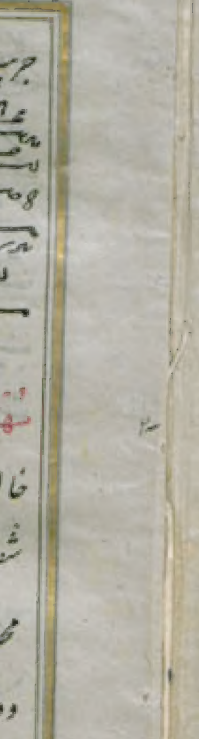

زنگده قریه ایست رود آب هفتاد و دو حبه از جمله پنجاه و چهار حبه آن
خالصه و هیجده حبه دیگرش وقفی وارباب کلا مزروعی سرکار بذرشتوی
آن چهل خروار و زرع صیفی آن چهل جریب علی الاستمرارات و
محصول عایدی دیوان بدون آفات ارضی وسماوی در سال پنجاه
تومان نقد و یکصد و پنجاه خروار جنس است اراضی آن قریب بهفتصد

جریب مساحت و صورت عملش در دفاتر بدین گونه ضبط و ثبت است

مهران قریه ایست رود آب هفتاد و دو حبه از جمله شصت و نه حبه آن
خالصه و دو قفی و تتمه دیگرش ارباب کلا مزروعی سرکار بذرشتوی آن
شصت خروار و زرع صیفی آن چهل جریب علی الاستمرارات و
محصول عایدی آن بدون آفات ارضی وسماوی پنجاه تومان نقد
و دویست خروار جنس است واراضی آن قریب بسه هزار جریب مساحت
و صورت عملش در دفاتر بدینگونه ضبط و ثبت است

طایلجرد قریه ایست رود آب هفتاد و دو وجه نه وجه آن ابتیاعی سرکار
وسه دیگر آن اربابی غیر دشصت وجه آن خالصه و وقفی کلا مزروعی سرکار
بذرشتوی آن سی خروار و زرع صیفی آن پانزده جریب علی الاستمرار
ومحصول عایدی آن در سال بدون آفات ارضی وسماوی نیست
تومان نقد و یکصد خروار جنس است واراضی آن قریب بهزار جریب
مساحت وصورت عملش در دفاتر بدیکونه ثبت است

طنوزاباد قریه ایست رود آب هفتاد و دو وجه شصت و سه وجه آن خالصه
وقفی و تمه دیگرش اربابی کلا مزروعی سرکار بذرشتوی آن چهل خروار
و زرع صیفی آن هشتاد جریب علی الاستمرار است ومحصول عایدی آن
بدون آفات ارضی وسماوی یکصد تومان نقد و دویست خروار جنس است
واراضی آن قریب بدونهزار جریب مساحت وصورت عملش در دفاتر بدیکونه

ثبت است

فارفا آن قریه ایست رود آب هفتاد و دو وجه از جمله شصت وجه آن خالصه
دوازده وجه دیگرش وقفی پنج دانگ آن مزروعی سرکار و یکدانگ دیگرش
مزروعی چاچی عبدالله بذرشتوی آن یکصد و چهل خروار و زرع صیفی آن
دویست جریب علی الاستمرار است ومحصول عایدی آن بانضمام
منال یکدانگ سیصد تومان نقد و ششصد خروار جنس است اراضی آن
قریب بهنهزار جریب مساحت وصورت عملش در دفاتر بدیکونه ثبت است

فرخونو قریه ایست رود آب هفتاد و دو وجه از جمله سی و شش حبه آن خالصه و
سی و شش حبه دیگرش وقفی کلا مزروعی سرکار بذرشتوی آن سی خروار وزرع
صیفی آن شش جریب علی الاستمرار است محصول عایدی سرکار بدون آفات
ارضی وسماوی شش تومان نقد و یکصد و چهل خروار جنس است و اراضی آن
قریب بهزار و دویست جریب مساحت و صورت عکس در دفاتر بدیگونه ضبط و ثبت

قوزطان و مزارع قریه ایست رود آب هفتاد و دو وجه از جمله پنج دانگ
آن با نضمام حسین آباد و بلان و جرستان که من جمله مزارع تابعه است
ابتیاعی سرکار و یکدانگ دیگر قریه مزبوره ارباب غیر کلا مزروعی
سرکار ربعی از بابت یکدانگ ارباب در وجه مالکین آن از سرکار برقرار است
بذرشتوی قریه مزبوره و مزارع تابعه دویست خروار وزرع صیفی آن
ششصد جریب علی الاستمرار است و محصول عایدی آن بدون آفات

ارضی وسماوی در سال ششصد تومان نقد و هفتصد خروار جنس است
و اراضی آن با نضمام مزارع تابعه قریب بهفتهزار و دویست جریب مساحت و
صورت عکس در دفاتر بدینگونه ثبت است

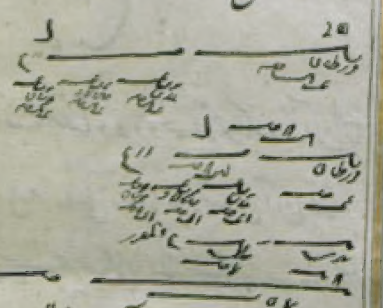

کره قریه ایست رود آب هفتاد و دو وجه از جمله شصت حبه آن
خالصه و وقفی دوازده حبه دیگرش اربابی چهار دانگ و نیم آن
مزروعی سرکار و یکدانگ و نیم دیگرش مزروعی عایا بذرشتوی
آن چهل خروار وزرع صیفی در آنجا کمتر میشود و محصول عایدی چهار
دانگ و نیم مزروعی سرکار با نضمام منال یکدانگ و نیم مزروعی عایا
بدون آفات ارضی وسماوی یکصد و پست خروار جنس است و اراضی
آن قریب پنجهزار و دویست جریب مساحت و صورت عکس در دفاتر بدینگونه ضبط
و ثبت است

کفران قریه ایست رود آب هفتاد و دو حبه از جمله یک حبه آن لضع
و هفتاد و یکحبه دیگر آن ارباب مزروعی رعایا بذر شتوی آن هفتاد
خروار و زرع صیفی آن سیصد جریب علی الاستمرار است و منال
آن بدون آفات ارضی و سماوی در سال نقد او جنسا نهصد تومان
نقد است و اراضی آن قریب بدو نهر با نصیب جریب مساحت و صورت
عکس در دفاتر بدینگونه ضبط و ثبت است

کرفه مزرعه ایست رود آب هفتاد و دو حبه آن ارباب بذر شتوی
آن سه خروار

لیان مزرعه ایست رود آب هفتاد و دو حبه از جمله پنجاه حبه آن خالصه و
بیست و دو حبه دیگرش وقفی مزروعی رعایا بذر شتوی آن پنج خروار و
زرع صیفی در آن جا نمیشود منالش در سال سه خروار جنس است اراضی
آن مساحت و صورت عکس در دفاتر بدین کونه ثبت است

نجز آبه مزرعه ایست قنات آب هفتاد و دو حبه آن ارباب بذر شتوی
آن چهار خروار و زرع صیفی آن ده جریب علی الاستمرار است منالش
هر سال دو تومان نقد و دو خروار جنس است اراضی ان پنجاه جریب

مساحت وصورت عملش در دفاتر مدیکلونه ثبت است

مزدغه مزرعه ایست رود آب هفتاد و دو وجه آن ارباب بذر شتوی
آن دو خروار و زرع صیفی در آنجا نمیشود مزروعی جناب میر محمد مهدی
امام جمعه دار الخلافه طهران برایشان معاف و مسلم است

مهردوقان مزرعه ایست رود آب هفتاد و دو وجه آن جزو فسارات است

مزدان مزرعه ایست رود آب هفتاد و دو وجه آن ارباب جزو کدخدائیست

احمد آباد قریه ایست رود آب و قناه آب هفتاد و دو وجه از
جمله شصت و سه آن وقفی و دوازده وجه دیگرش ارباب مزروعی
سرکار بدرشتوی آن چهل خروار و زرع صیفی آن دویست و پنجاه
جریب است وچنانچه افات ارضی و سماوی رو ننماید محصول عادی
سرکار شده ایضا بعد از وضع بذر شش صد تومان ... وقفی
قریه مزبوره قریب بسه هزار جریب مساحت و صورت عملش در دفاتر
بدین کونه ثبت و ضبط است

احمد آباد قریه ایست رود آب و قناه آب از جمله هفتاد
دو وجه پنجاه و پنج وجه آن وقفی و شانزده وجه و نیم دیگرش ارباب و دو نفر

از وقفی واربابی قریه مزبور استماعی سرکار مزروعی ومقاطعه میرزا رزاق
بذرشتوی آن چهل خروار وزرع صیفی وشلتوک سیصد جریب بالانصاف
محصول عایدی سرکار چنانچه آفات ارضی وسماوی رخ نماید بعد از
وضع بذر چهارصد تومان نقد یکصد خروار شلتوک است اراضی
قریه مزبوره قریب بسه هزار جریب مساحت وصورت عملش
در دفاتر بدین کونه ثبت است

اچکرد قریه ایست رود آب متقادد وجه خالصه قدیم مزروعی
رعایا بذرشتوی آن سی خروار وزرع صیفی آن چهل جریب
وزرع شلتوک آن یکصد جریب علی الاستمرار است و

منال

ومنال عایدی دیوان چنانچه آفات ارضی وسماوی رخ نماید
چهل تومان نقد وشصت خروار جنس وسی خروار شلتوک است اراضی
قریه مزبوره قریب بدو هزار جریب مساحت وصورت عملش در دفاتر بدینکونه
ثبت و ضبط است

اچکرد قریه ایست رود آب متقادد وجه وقفی مزروعی حسب الرقم مبارک بعالیجناب
ملا باشی مفوض بذرشتوی آن شانزده خروار وزرع صیفی وشلتوک
آن متقادد جریب علی الاستمرار است ومنال عایدی دیوان پنجاه تومان
نقد وسی خروار جنس ودوده خروار شلتوک است اراضی قریه مزبوره قریب
نهصد جریب وصورت عملش در دفاتر بدینکونه ثبت وضبط است

اسفهران قریه ایست رود آب از جمله هفتاد و دو حبه شصت و نه حبه آن خالصه و سه حبه دیگر ارباب مزروعی آقا محمد مهدی قدر پنجاهی بذر شتوی آن پنجاه و پنج خروار و زرع صیفی و شلتوک آن جرب مناش موافق ثلث و خمس اراضی قریه مزبوره قریب یکهزار پانصد جرب است و صورت عملش بدفتر ثبت و ضبط است

برزاآن مزرعه ایست رود آب هفتاد و دو حبه آن وقفی سرکار فیض آثار مزروعی سادات بذر شتوی آن و زرع صیفی و شلتوک آن پنجاه جرب است مناش چنانچه آفات ارضی و سماوی رخ

نذهده تومان نقد و ده خروار جنس و دوازده خروار شلتوک است اراضی آن قریب بچهارصد جرب مساحت و صورت عملش در دفاتر بدفتر ثبت است

جوزدان قریه ایست رود آب و قناة آب هفتاد و دو حبه آن خالصه قدیم مزروعی سرکار بذر شتوی آن شصت خروار و زرع صیفی آن هفتصد جرب علی الاستمرار است محصول عایدی سرکار چنانچه آفات ارضی و سماوی رخ ندهد هشتصد تومان نقد و سیصد خروار جنس اراضی قریه مزبوره قریب بششهزار جرب مساحت و صورت عملش در دفاتر بدفتر ثبت و ضبط است

جزئین قریه است رود آب هشاد و دو حبه خالصه قدیم و دو دانگ
از جمله هشاد و دو حبه اسپاعی سرکار روشن دانگ مزروعی سرکار مذر
شتوی آن حمل و نخ خروار و زرع صیفی آن یکصد و پنجاه جریب علی الاستمرار است
محصول عایدی سرکار چنانچه آفات ارضی و سماوی رخ ننماید یکصد و بیست
تومان نقد و یکصد و پنجاه خروار جنس شلتوک است اراضی
قریه مزبوره قریب بسه هزار جریب مساحت و صورت عملش این است

خلف دژ مزرعه ایست رود آب هشاد و دو حبه ارباب جدید آلتی ملا
جمع **دیاخون** قریه ایست رود آب از جمله هشاد و دو حبه شش حبه و نیم آن
خالصه و شصت و نه حبه و نیم دیگرش ارباب مزروعی رعایا بذر شتوی
آن و زرع صیفی و شلتوک آن علی الاستمرار است منال
دیوانی آن سی و شش تومان نقد و هفت خروار شلتوک است اراضی قریه
مزبوره قریب

دشبخی قریه است رود آب از جمله هشاد و دو حبه چهل و هشت حبه آن
خالصه و وقف و بیست و چهار حبه دیگرش ارباب مزروعی آقا محمد
مهدی رنجانی بذر شتوی آن ده خروار و زرع صیفی و شلتوک آن یکصد و
شصت جریب الاستمرار است منال آن را دیوانیان چنانچه آفات
ارضی و سماوی رخ ننماید موافق قاعده ثلث و خمس عمل نمایند بیست تومان

نقد و پنج خروار جنس وسی خروار شلتوک است وصورت عملش این است

دارجان قریه ایست رود آب ازجمله هشتاد و دو جبه ده جبه آن خالصه و پنجاه
هشت جبه آن وقفی مزروعی سرکار بذر شتوی آن پنجاه خروار و زرع صیفی
آن یکصد جریب علی الاستمرار است ومحصول عایدی بعد از وضع بذر سیصد
تومان است وصورت عملش در دفاتر بدین گونه ثبت وضبط است

سوده رجان قریه ایست رود آب وقناة آب هشتاد و دو جبه خالصه قدیم
مزروعی سرکار بذر شتوی آن چهل خروار و زرع صیفی و شلتوک آن سیصد و پنجاه
جریب علی الاستمرار است ومحصول عایدی سرکار بعد از وضع بذر چنانچه آیات
ارضی وسماوی رخ ننماید دویست تومان نقد و دویست خروار غله و دویست
خروار شلتوک است اراضی قریه مزبوره قریب بسه هزار جریب مساحت
وصورت عملش در دفاتر بدین گونه ثبت وضبط است

زیارکوپان قریه ایست رود آب ازجمله هشتاد و دو جبه پنجه و نیم آن خالصه
و هشتاد جبه و نیم دیگرش ارباب شش دانگ اسپاهی و مزروعی سرکار بذر
شتوی و زرع صیفی و شلتوک آن چهل جریب علی الاستمرار است

ومحصول عایدی سرکار بعد از وضع بذر نقد اجناس شصت وپنج تومان و دوازده
خروار شلتوک است اراضی قریه مزبوره قریب پنجاه و پنج جریب وصورت
عملش در دفاتر بدین گونه ثبت وضبط است

شیرودان قریه ایست از جمله مضافات دوجه شصت و نه جه و نیم خالصه
و وقف و دو جه و نیم آن ارباب مزروعی سرکار بشراکت یکطاق
ملا کنجعلی شرودانی مذبر شتوی رسیدی سرکار چهل و نخ خروار و زرع صیفی
و شلتوک آن قریب پنجهار صد جریب و محصول عایدی سرکار بعد از وضع
مذبر چنانچه آفات ارضی و سماوی رخ ننماید سیصد و پنجاه تومان نقد
و دویست پنجاه خروار غله و سیصد خروار شلتوک است اراضی قریه مذکور
قریب پنجهزار جریب مساحت و صورت علش در دفاتر مذکور و ثبت است

شهاب آباد آرامنه قریه ایست مضاف دو دو جه خالصه قدیم
مزروعی سرکار مذبر شتوی آن بی خروار و زرع صیفی و شلتوک آن
دویست جریب علی الاستمرار است و محصول عایدی دیوان چنانچه آفات
ارضی و سماوی رخ ننماید دویست پنجاه تومان نقد و یکصد خروار غله و شتاد

خروار شلتوک است اراضی قریه مزبوره قریب سه هزار جریب مساحت و صورت
علش در دفاتر بدینگونه ثبت است

شاه آباد جنب سنجب آباد هفتاد و دو جه وقف مدرسه جدید السلطانی چهار باغ است مزروعی رعایا اکثر از اراضی آن مشجر و منبت
منال عایدی دیوان در سال چنانچه آفات ارضی و سماوی رخ ننماید
نهصد تومان است اراضی و باغات آن
و صورت علش در دفاتر بدین گونه ثبت و ضبط است

علی آباد کهریزسنگ قریه ایست دو دانگ آب و شانزده آب هفتاد و دو جه

وقف مدرسه بلده سلطانی چهار باغ مزروعی سه کار بذر شتوی آن
سی خروار زرع صیفی آن قریب ششصد جریب علی الاستمرار است و
محصول عایدی سرکار چنانچه آفات ارضی و سماوی رخ ننماید کمیزار تومان است
اراضی قریه مذبوره قریب پنجاه هزار جریب است و صورت نقشش در دفاتر
بدین کونه ثبت
و ضبط است

و اینجا و قریب مساحت و صورت نقش در دفاتر بدینکونه ثبت است

[illegible]

[illegible]

دوزه کوشک مزرعه ایست رود آب هشاد و دو جبه آن اربابی باتمام
از بلوک برا آن محسوب و چند سال است که هرزه کراچ داده و ستد میشود
مزروعی حاجی حسین سرو شفاد رائی بذر شتوی آن چهار خروار و زرع صیفی
در آنجا بعلت فقد آب نمیشود و مثال آن هر سال دو تومان و دو خروار و اردبیل
آن قریب پنجاه جریب مساحت و صورت نقش در دفاتر بدینکونه ثبت است

غزدنات مزرعه ایست رود آب هفتاد و دو حبه آن ارباب مزروعی رعایا بذر شتوی آن شش خروار و زرع صیفی آن پانزده جریب علی الاکثر مناسش بدون آفات ارضی و سماوی هر سال پنج تومان نقد و پنج خروار جنس است ارضی آن قریب بسیصد جریب مساحت و صورت عملش در دفاتر بدینگونه ثبت است

گلستانه مزرعه ایست رود آب هفتاد و دو حبه آن ارباب مزروعی رعایا سادات گلستانه بذر شتوی آن هفت خروار و زرع صیفی و [illegible] میشود مناسش در سال یکتومان نقد و دو خروار جنس است ارضی آن قریب پنجصد و پنجاه جریب مساحت و صورت عملش در دفاتر بدینگونه ثبت است

دارکهن قریه ایست رود آب هفتاد و دو حبه خالصه قدیم مزروعی رعایا بذر شتوی آن ده خروار و زرع صیفی و شلتوک آن سی جریب منال عایدی سرکار دیوان چنانچه آفت ارضی و سماوی رخ ننماید دو تومان نقد و پست خروار غله و سی خروار شلتوک است و صورت عملش این است

دارجان قریه ایست رود آب ارباب مزروعی میرزا هاشم [illegible] آبادی بذر شتوی آن پانزده خروار و زرع صیفی و شلتوک آن شصت جریب علی الاستمرار است منال عایدی سرکار دیوان چنانچه آفت ارضی و سماوی رخ ننماید دوازده تومان نقد و دوازده خروار جنس غله و دوازده خروار شلتوک است و صورت عملش در دفاتر بدین گونه ثبت است

زادوران قریه‌ایست رود آب هشاد و دو جبه خالصه قدیم مزروعی سرکار بزرشتوی آن نود خروار و زرع صیفی و شلتوک آن چهارصد پنجاه جریب محصول عایدی سرکار چنانچه آفت ارضی و سماوی رخ ننماید پانصد تومان نقد و چهارصد خروار جنس غله دویست خروار شلتوک است

وصورت عملش این قرار است

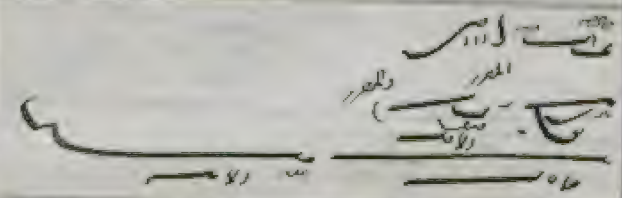

سهر قریه‌ایست رود آب هشاد و دو جبه از جمله سی و شش جبه آن خالصه وقف و سی شش جبه دگرش ارباب و تیولداری سرکار بزرشتوی آن پست و شش خروار و زرع صیفی و شلتوک آن دویست و پنجاه جریب علی الاستمرار است محصول عایدی سرکار چنانچه آفت ارضی و سماوی رخ ننماید دویست تومان نقد و یکصد پنجاه خروار جنس غله و یکصد خروار شلتوک و صورت عملش این است

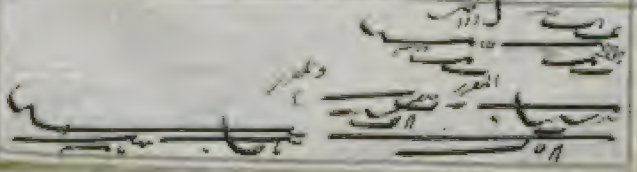

مزارع سهر علیا قریه‌ایست رود آب هشاد و دو جبه خالصه قدیم مزروعی سرکار بزرشتوی آن دوازده خروار و زرع صیفی و شلتوک آن هشتاد جریب علی الاستمرار است محصول عایدی سرکار چنانچه آفت ارضی و سماوی رخ ننماید هشاد و دو تومان نقد و سی و پنجخروار جنس غله دویست خروار شلتوک است

و اراضی آن قریب

و صورت عملش این است

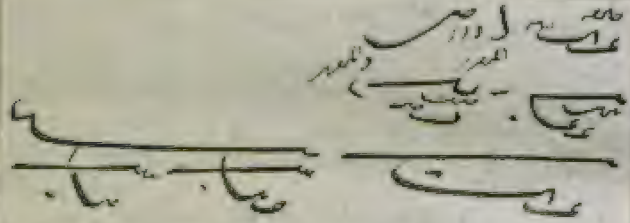

مزارع سهر هفلی قریه‌ایست رود آب هشاد و دو جبه از جمله چهل و چهار حصه از ان خالصه و هفت حصه دگرش ارباب موازی چهل و سه حصه خالصه و اراضی مزبور تیولداری سرکار و شش دانگ مزروعی سرکار بزرشتوی آن چهارده خروار و زرع صیفی و شلتوک آن یکصد و ده جریب علی الاستمرار است محصول عایدی سرکار چنانچه آفت ارضی و سماوی رخ ننماید یکصد تومان نقد و پنجاه خروار جنس غله و پنجاه خروار شلتوک است و اراضی آن قریب

وصورت عملش در دفاتر مدرسه پیشکوه ثبت و ضبط است

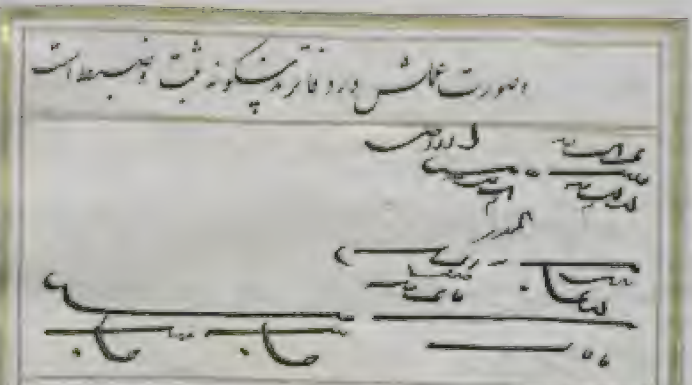

طاق قرار است رد و آب هفتاد و دو جریب از جوشقین جهان خالصه و شصت و شش جریب دیگرش ارباب یازده جریب از جوشقین و شصت و شش جریب ارباب اسپیاهی و سرکار است و بقیه آن مزروعی رعایا است بزرشتوی آن چهل خروار و زرع صیفی و شلتوک آن نود جریب علی الاستمرار است محصول یازده جریب مزروعی سرکار بانضمام منال مزروعی رعایا چنانچه آفات ارضی و سماوی رخ ننماید تومان نقد و پنجاه خروار جنس خلصه و پنجاه خروار شلتوک است و اراضی آن

وصورت عملش در دفاتر بدین گونه ثبت و ضبط است

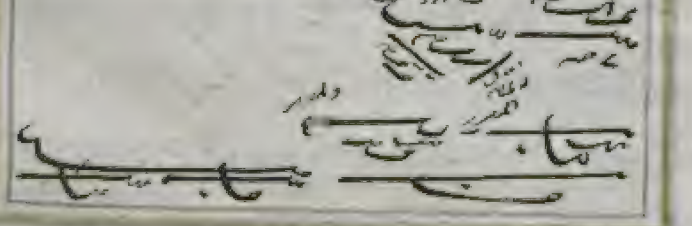

مسئله هفتم در تعریف قنات صانه الله تعالی عن التغیر و الشتات قنات بلوکیست مشهور و نام نامی آن در السنه و افواه مردم جده و نوعی تجا پیدا راضی مذکور شده بود و شمار ربتا به آن اغلب از قنوات و آب قنواتش دکوار زه کی اغلب من الفرات خاکش شنگ پیرو اراضی و میاه آن حاصل خیزات برنج محصولاتش خوب و کیفیاه و معاشش چنان از قنبه مطلوب و مرغوب اگرچه اشجار متراکمه بلوک مزبور کم است ولیکن جامه و وزبان از توتیف و چنان باغات پر استه بعضی از قرای آن اکثر میاه و انهارش متقضای دمن الماء کل شیء حی بطون اشجار و عروق اثمار از نیابیع مرحمت حضرت رب العزت جاری و عیون و چشمه سارش بحیات احیای اراضی موات از منهل عنایت جناب رب الارباب بهر طرف سایلست مردم اندیشه اند وقوع قری و مزارعش باین شمال و مشرق بلوک مشهود و محدود و بیش بیابان قهقایه و بلوکات شلمزجی و برخوار و بر آن محدود و مشتمل بری و اند پارچه قریه معمور و غیر معمور و دوازده مزرعه مشهور و غیر مشهور و قری و مزارع آن بترتیب معدود و در ذیل مفصل و موجود است

اول از قراری بلوک مزبور

اوزفان و آن قریه ایست ثلث آب از جمله هشاد و دو جبه آن هیجده جبه خالصه و وقفی و چهل و شش جبه اشتیاقی نواب مالک رقاب اشرف داشته جبه دیگر آن ارباب سادات از جمله هشت جبه سادات شش جبه را خود سادات بدون منال دیوانی مزروع و بر ایشان مسلم و مرفوع القلم و کارکنان سرکار شش جبه دیگر آن را بهنده التفصیل چنانکه چهل و شش جبه اشتیاقی را با تمام هیجده جبه خالصه و وقفی و دو جبه ارباب سادات که بعوض منال شش جبه مسلمی سادات بکارکنان سرکار منفوض است متصرف و بجهه سرکار زراعت مینمایند بذر شتوی شش دانگ قریه مذکوره پنجاه خروار و زرع صیفی آن یکصد و پنجاه جرب علی الاتمرار و چنانچه آفات ارضی و سماوی رخ ننماید محصول آن یکصد و پنجاه تومان نقد و دویست خروار جنس است اراضی قریه مذکوره را قریب یکهزار جرب پخته

و صورت عمل در

دفاتر بدیگونه ثبت است

آمرزآباد قریه ایست ثلث آب هشاد و دو جبه با تمام ارباب اشخاص متفرقه چنانکه یک دانگ آن از آن آقا کاظم و دو دانگ امیرزا محمد علی و سه دانگ را ابو القاسم خان مالک و بر یک یک خود در ازای هر یک بذر شتوی شش دانگ قریه مزبور پنجاه خروار و زرع صیفی آن دویست و پنجاه جرب علی الاتمرار و منال دیوانی آن بدون آفات ارضی و سماوی هر سال یکصد تومان نقد خروار است که بجنس معمول میدارند اراضی قریه مزبور قریب سه هزار جرب و صورت عمل در

دفاتر بدیگونه ثبت است

امین آباد قریه ایست ثلث آب هشاد و دو جبه آن اشتیاقی نواب مالک رقاب اشرف داشته مزروعی است خوب و ملکی است مرغوب با غاتش خوش وضع و شیرین و اشجارش مثمر با ثمار حلاوت آگین بذر شش دانگ قریه مذکوره شصت خروار و زرع صیفی آن دویست و پنجاه جرب علی الاتمرار

محصول آن که بضبط معمول میشود چنانکه آفات ارضی و سماوی رخ ننماید
هر سال دویست تومان نقد و دویست و پنجاه خروار جنس عایدی دیوانست
اراضی آن قریب دو هزار جریب مساحت و صورت عمش در دفاتر
بدینگونه ثبت است

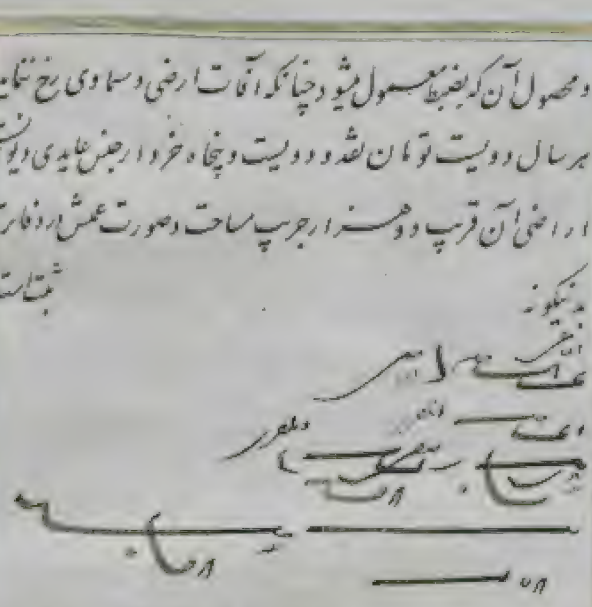

آنداآن قریه ایست قنات آب از جمله هفتاد و دو دوجه مپت و شش جبه و نیم
خالصه دو قفی و چهل و پنج جبه و نیم آن آب بتیاعی نواب اکلک رقاب
اشرف الا و یکدنگ آن خراب است کلا مزروعی سر کار بدرشتوی شش دانگ
قریه مذکور و سی خروار و زرع صیفی آن پنجاه جریب علی الاستمرار است
و محصول آن که بضبط معمول است چنانکه آفات ارضی و سماوی هر سال رخ ننماید
هر سال پنجاه تومان و یکصد خروار جنس است اراضی قریه مزبور
قریب پنجهزار جریب مساحت و صورت عمش در دفاتر بدینگونه ثبت است

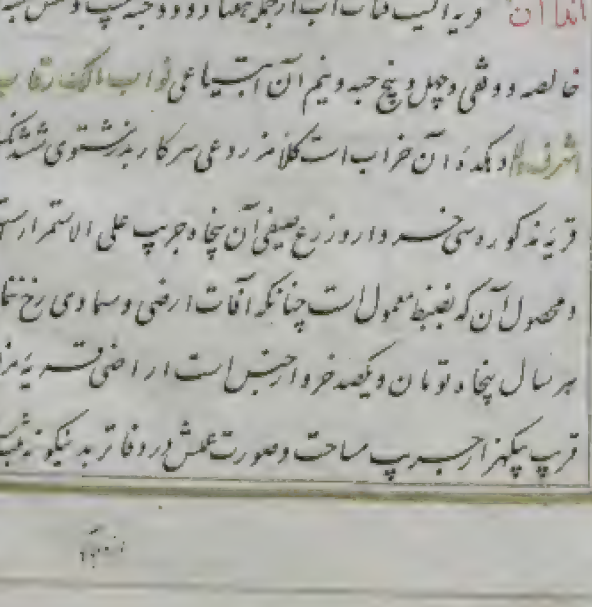

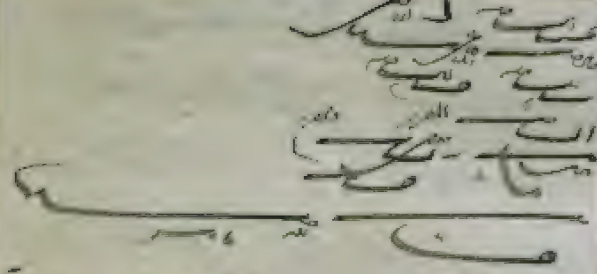

زواآباد و طباباد قریتین مذبورتین متصل بیکدیگر قنات آب ارباب علی آباد
ابتیاعی نواب اکلک رقاب اشرف الا مخروبه و بایر و برزواآباد
و ایراث هفتاد و دو وجه آن ارباب غیر و مزروعی سه کار بدرشتوی
شش دانگ قریه مذکوره پنجاه خروار و زرع صیفی آن پنجاه جریب
الی یکصد جریب باستمرار است ربعی دو وجه مالکین آنجا از سه کار برقرار است
و محصول آن که بضبط معمول میشود بدون آفات ارضی و سماوی هر سال پنجاه تومان
نقد و یکصد و پنجاه خروار جنس عایدیست و اراضی آن قریب سه هزار جریب مساحت
و صورت عمش در دفاتر بدینگونه ثبت است

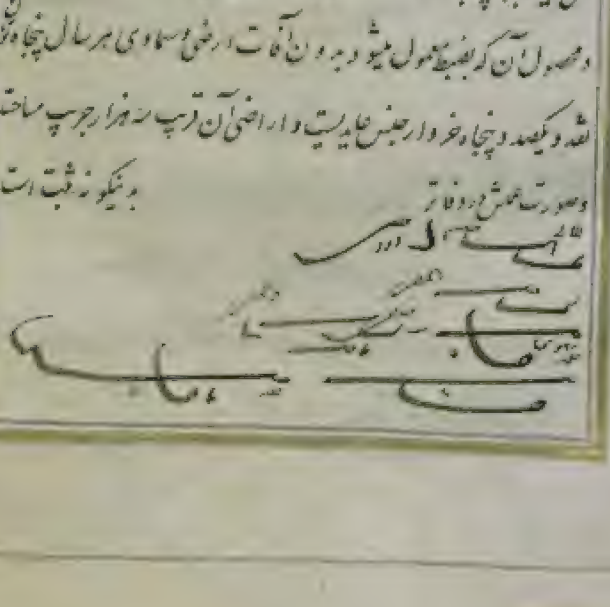

بهاران قریه ایست قنات آب از جوی هشاد و دو حبه سی و چهار حبه خالصه و قفی
و سی و هشت حبه دیگر آن آسیابی نواب مالک رقاب اشرف از کلا مزروعی
سرکار بذر شتوی آن شصت خروار و زرع صیفی آن یکصد و پنجاه و جرب
علی الاستمرار است و محصول آن که بضبط محصول است بدون آفات ارضی و سماوی
هر سال یکصد و بیست تومان نقد و دویست خروار جنس عایدی سرکار و اراضی
آن قریه بمقدار جرب مساحت و صورت عمش در دفاتر بنگونه ثبت است

جورت قریه ایست قنات آب از جوی هشاد و دو حبه شصت حبه آن خالصه
و دوازده حبه آن اربابی کلا مزروعی سه کار بذر شتوی آن یکصد و سی خروار
و زرع صیفی آن یکصد جرب علی الاستمرار است هر سال ربعی با لکین
دوازده حبه اربابی از سه کار مقرر است و محصول عایدی آن هر سال
بدون آفات ارضی و سماوی یکصد تومان نقد و یکصد و پنجاه خروار جنس

دشتجرد مشهور بزمان آباد قریه ایست قنات آب هشاد و دو حبه آن آسیابی
نواب مالک رقاب اشرف و از بذر شده انگ قریه مذکوره چهل خروار
و زرع صیفی آن یکصد و پنجاه جرب علی الاستمرار است و محصول آن که
بضبط عمل شود چنانچه آفات ارضی و سماوی رخ ننماید هر سال یکصد تومان
نقد و یکصد و پنجاه خروار جنس عایدی دیوان است و اراضی آن یکهزار
و پانصد جرب مساحت و صورت عمش در دفاتر بنگونه ثبت است

دشتجرد بوزان هشاد و دو حبه آن خالصه مزروعی رعایای قحطار شان
بذر شده انگ آن پنجاه خروار و زرع صیفی آن سیصد جرب علی الاستمرار است
و منال عایدی دیوان هر سال بدون آفات ارضی و سماوی دویست
تومان نقد و یکصد خروار جنس است و اراضی آن قریب بسه هزار جرب
مساحت و صورت عمش در دفاتر بنگونه ثبت است

دشتجرد فایقه قریه ایست فنات آب هشاد و دو حبه آن پنجمد و پنج سهم منسم از جمله پنج و شش سهم آن خالصه و بقیه سهام آن ارباب و اتباعی نواب اکلت رقاب اشرف زاده بدرشتوی آن پنجاه خروار دزرع صیفی آن دویست و پنجاه جرب علی الاستمرار است و محصول آن که بضبط عمل میشود بدون آفات ارضی و سماوی هر سال یکصد و پنجاه تومان نقد و دویست خروار جنس است اراضی آن را قریب بدو هزار جرب زراعت و فاتر بدینگونه نسبت

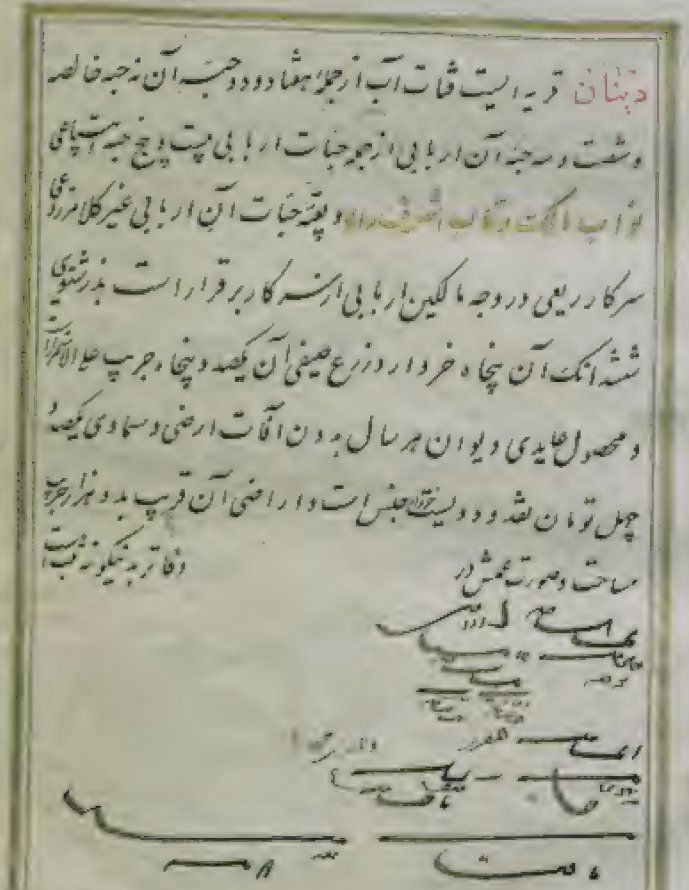

دشتان قریه ایست فنات آب از جمله هشاد و دو حبه آن نه حبه خالصه و شصت و سه حبه آن ارباب از جمله جهات ارباب پنج حبه آن اتباعی نواب اکلت رقاب اشرف زاده و بقیه جهات آن ارباب غیر کلا مزروعی سرکار ریعی در وجه مالکین ارباب ارسنه کار برقرار است بدرشتوی شش انگ آن پنجاه خروار دزرع صیفی آن یکصد و پنجاه جرب علی الاستمرار و محصول عایدی دیوان هر سال بدون آفات ارضی و سماوی یکصد و چهل تومان نقد و دویست خروار جنس است اراضی آن قریب بدو هزار جرب زراعت و فاتر بدینگونه نسبت

داران قریه ایست که مخمس آن سه و آب و چهار خمس دیگر آن فنات آبست از جمله هشاد و دو حبه چهل و چهار حبه آن اتباعی نواب اکلت رقاب اشرف زاده و بقیه آن خالصه کلا مزروعی سرکار است بدرشتوی

آن هشتاد خروار دزرع صیفی آن دویست و پنجاه جریب علی الاستمرارات
و محصول جایدی آن بدون آفات ارضی و سماوی دویست تومان نقد و
سیصد خروار جنس است و اراضی قریه مذکوره قریب بدو هزار جریب
و نه قریه نیکوه نسبت
و صورت عمش ذیل

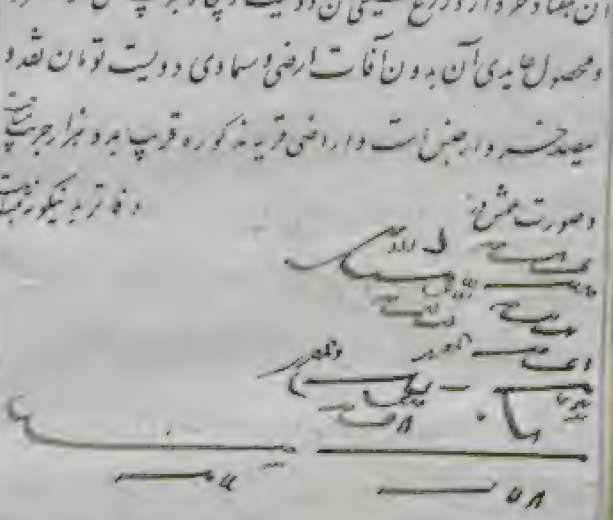

زرنگ باد قریه ایست هفات آب از جمله هشتاد و دو حبه هفت حبه خالصه
و چهل و هشت حبه دیگر اتباعی نواب مالک رقاب اشرف اعلا کلا مزروعی
سرکار بدرشتوی شش دانگ آن هفت خروار دزرع صیفی آن چهل جریب علی الاستمرارات
و محصول جایدی آن بدون آفات ارضی و سماوی چهل تومان نقد و شصت خروار جنس است
و اراضی قریه مذکوره قریب پانصد جریب مساحت و صورت عمش در دفاتر به نیکوه نسبت

فیروزآباد قریه ایست هفات آب از جمله هشتاد و دو حبه هفت حبه خالصه و شصت
و پنج حبه دیگر آن از بابی مزروعی جالیجاه میرزا زین العابدین بدرشتوی آن
شصت خروار دزرع صیفی آن کیصد و پنجاه جریب علی الاستمرارات منال
آن هر سال بمقاطعه پنجاه تومان نقد و پنجاه خروار جنس است اراضی
قریه مزبوره قریب به هزار جریب مساحت و صورت عمش در دفاتر به نیکوه نسبت

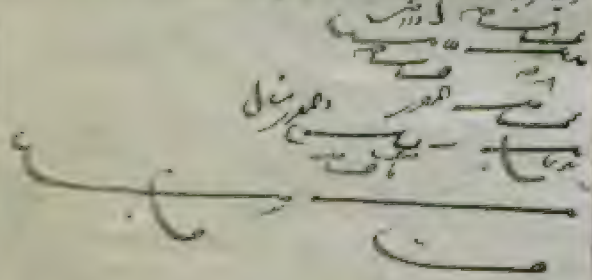

تهجاد نیستان قریه ایست هفات آب هشتاد و دو حبه خالصه قدیم مزروعی
سرکار بدرشتوی آن هشتاد خروار دزرع صیفی آن ششصد جریب علی الاستمرارات
و محصول جایدی آن بدون آفات ارضی و سماوی در سال سیصد تومان نقد
و سیصد و پنجاه خروار جنس است اراضی قریه مذکور قریب شش هزار

جریب مساحت و صورت عملش در دفاتر بدینگونه ضبط و ثبت است

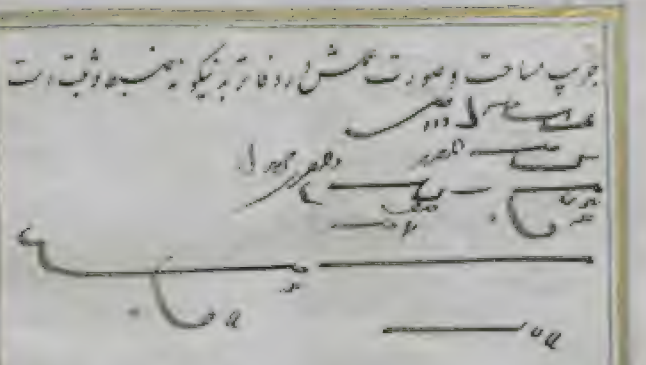

کهل قریه ایست قنات آب هفتاد و دو وجه آن خالصه قدیم مزروعی سرکار بذرشتوی آن هشتاد خروار و زرع میانی آن یکصد و پنجاه جریب علی الاستمرار است محصول عایدی آن بدون آفات ارضی و سماوی یکصد تومان نقد و سیصد و پنجاه خروار جنس است اراضی آن بسبب ربعلت خرابی قنات قریه مذکور و املاک بخالصه ضایع شش حال سه هزار جریب آن دایر و قابل زراعت و صورت عملش در دفاتر بدینگونه ضبط و ثبت است

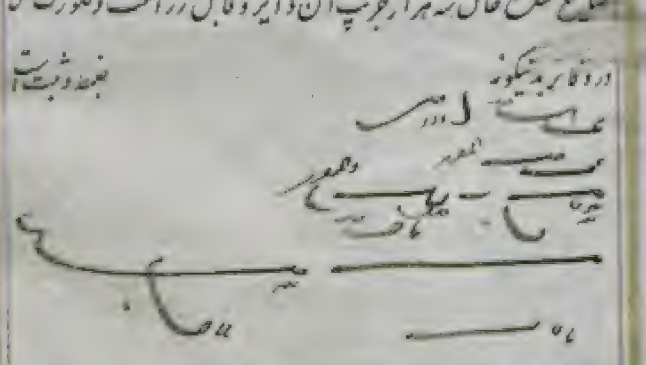

کاج قریه ایست رود آب هفتاد و دو وجه از جمله شصت و شش حبه آن خالصه دو قفی و شش حبه دیگر آن ارباب مزروعی عالیجناب سپهر قباب آقا میرزا محمد مهدی امام جمعه و جماعت دار الخلافه طهران بذرشتوی آن چهل خروار و زرع میانی آن هفتاد جریب علی الاستمرار است منال آن حسب الرقم پنجاه تومان نقد و یکصد خروار جنس است اراضی آن سوای آنچه متصرف رعایای سرشناور است دیگر از جریب مساحت و صورت عملش در دفاتر بدین گونه ضبط و ثبت است

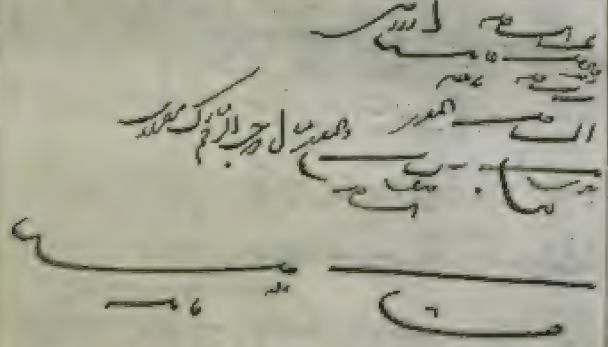

کبوترآباد قریه ایست رود آب و قنات آب هفتاد و دو وجه آن وقفی و ارباب چهار دانگ آن مزروعی سرکار و دو دانگ دیگرش مزروعی رعایا بذرشتوی آن نود خروار و زرع میانی آن دویست و پنجاه جریب علی الاستمرار و محصول عایدی دیوان بدون آفات ارضی و سماوی یکصد و پنجاه تومان نقد

وچهارنصف خروار جنس است اراضی آن قریب به ده هزار جریب مساحت دارد

عمش در دفاتر

بدینگونه ثبت است

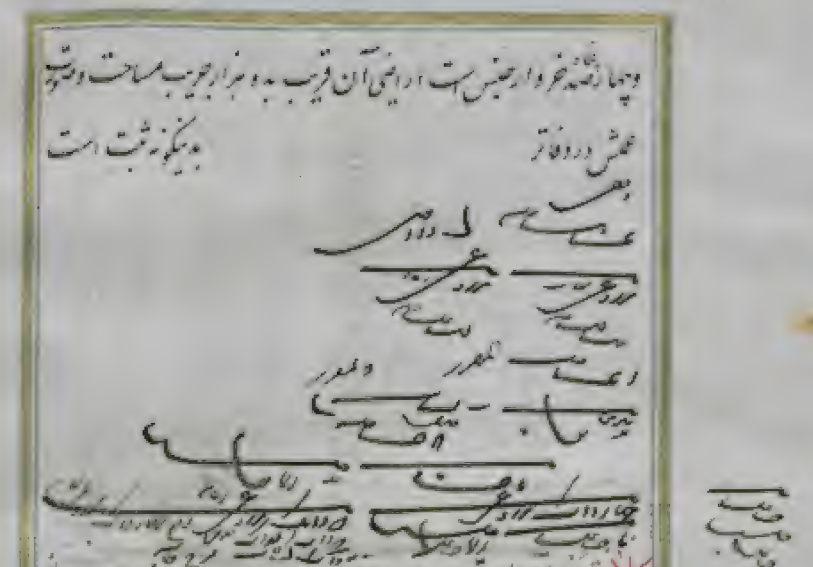

کلاردشت قریه ایست رود آب هفتاد و دو حبه ان اربابی مزروعی رعایا بذر

شتوی آن پانزده خروار دیم زرع صیفی آن هشتاد جریب علی الاستمرار است

مساحش بدون آفات ارضی وسماوی هرسال بیست تومان نقد و بیست خروار

جنس است اراضی آن قریب به چهار نصف جریب مساحت و صورت عمش در دفاتر

ثبت است

کلاردان قریه ایست رود آب هفتاد و دو حبه آن اربابی دو دانگ آن

مزروعی سرکار و چهار دانگ دیگرش مزروعی رعایا بذر شتوی آن بیست چهار

خروار دیم زرع صیفی آن شصت جریب علی الاستمرار است ومحصول عایدی

دیوان با نضمام منال چهار دانگ مزروعی رعایا بدون آفات ارضی وسماوی

هفتاد تومان نقد و هفتاد خروار جنس است اراضی آن قریب بپانصد جریب

مساحت و صورت عمش در دفاتر بدین گونه ضبط و ثبت است

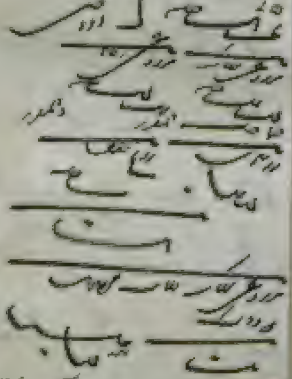

کجوان قریه ایست رود آب هفتاد و دو حبه از جمله شش حبه و نیم آن خالصه

دویقی و شصت و شش حبه دیگر آن اربابی مزروعی سادات بذر شتوی آن

پانزده خروار دیم زرع صیفی آن شصت جریب علی الاستمرار است مساحش

بدون آفات ارضی وسماوی بیست تومان نقد و بیست خروار جنس است و

ارایضی آن قریب بهفتصد جریب مساحت وصورت عملش در دفاتر بدیگونه ثبت است

کذلان قریه ایست رود آب هفتاد و دو دهنه از جوشقت و سه دهنه آن خالصه دو دهنی و تتمه دیگر آن ارباب مزروعی سرکار بدر شتوی آن سی خروار و زرع صیفی آن شصت جریب علی الاستمرار است ومحصول عایدی دیوان بدون آفات ارضی وسماوی یکصد تومان نقد ویکصد وپنجاه خروار جنس است ارایضی آن قریب بهکهزار و پانصد جریب مساحت وصورت عملش در دفاتر بدینگونه ثبت است

کهان قریه ایست رود آب هفتاد و دو دهنه خالصه قدیم مزروعی سرکار بدر شتوی آن چهل خروار و زرع صیفی در آنجا نیشود ومحصول عایدی دیوان بدون آفات ارضی وسماوی دویست خروار جنس است ارایضی آن قریب بهکهزار و پانصد جریب مساحت وصورت عملش در دفاتر بدینگونه ثبت است

لنبان قریه ایست رود آب هفتاد و دو دهنه خالصه قدیم مزروعی سرکار بدر شتوی آن پنجاه خروار و زرع صیفی آن در ارایضی دیدران مزروع میشود ومحصول عایدی دیوان بدون آفات ارضی وسماوی یکصد خروار جنس است ارایضی آن قریب بهشتصد جریب مساحت وصورت عملش در دفاتر بدینگونه ثبت است

ماز قریه ایست قنات آب هفتاد و دو وجبه آن ارباب اصفهانی و مزروعی
سرکار [illegible] بذرشتوی آن چهل و پنج خروار و زرع
صیفی آن چهل حریب علی الاستمرار است و محصول حایه ی دیوان
بدون آفات ارضی و سماوی هر سال چهل تومان نقد و یکصد و پنجاه
خروار جنس است و اراضی قریه مزبوره قریب هشتصد جریب مساحت
و صورت خلش در دفاتر بدین کونه منبسط و ثبت است

[illegible]

منشان قریه ایست رود آب هفتاد و دو وجبه آن ارباب مزروعی
آقا سید مهدی حسب الرقم قضایشم از مال و منال دیوانی معاف
الجهات است

من جمیع

[illegible]

نوشاد قریه ایست رود آب هفتاد و دو وجبه آن ارباب مزروعی
سادات بذرشتوی آن دو خروار و زرع صیفی آن سی حریب علی
الاستمرار است مخارش بدون آفات ارضی و سماوی در سال دو
تومان نقد و دو خروار جنس است اراضی آن قریب بچهارصد جریب
مساحت و صورت خلش در دفاتر بدینگونه منبسط و ثبت است

[illegible]

وادفان قریه ایست رود آب وقنات آب هفتاد و دو حبه پنج دانگ آن متعلق بارباب سرکار و یکدانگ دیگر آن وقفی مزروعی سرکار بذرشتوی آن یکصد و پست خروار و زرع صیفی آن سیصد و پست جریب علی الاستمرار است ومحصول عایدی آن بدون آفات ارضی وسماوی سیصد تومان نقد و پانصد خروار جنس است وارباضی آن قریب بهفت هزار جریب مساحت وصورت عمش در دفاتر بدینگونه ثبت است

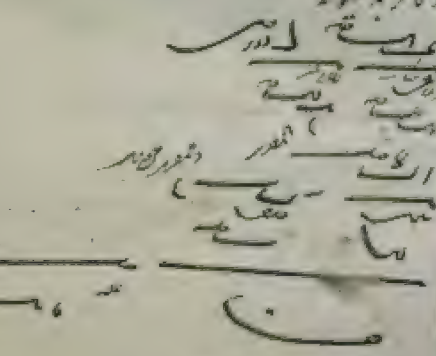

وزنوآباد قریه ایست رود آب هفتاد و دو حبه آن اربابی و ایضاً سرکار بذرشتوی آن هشتاد خروار و زرع صیفی آن دویست جریب علی الاستمرار است ومحصول عایدی سرکار بدون آفات ارضی وسماوی یکصد و پست تومان نقد و چهارصد خروار جنس است وارباضی آن قریب

زغاز و نیز بدیزان رود آب قریتین مزبورتین متصل بیکدیگر هر یک هشتاد و دو حبه از چهل و چهار حبه و نیم آن اربابی و مزروعی ارباب و تتمه دیگر آن ارباب غیر و مزروعی رعایا بذرشتوی آن بشراکت رعایا چهل خروار و زرع صیفی آن شصت جریب علی الاستمرار است ومحصول عایدی دیوان با انضمام مالیات مزروعی رعایا پنجاه تومان نقد و یکصد خروار جنس است وارباضی هر دو قریه قریب پنجهزار و هفتصد جریب مساحت وصورت عمش در دفاتر بدینگونه ثبت است

شهوزه و زوجردان رود آب قریتین مزبورتین هر یک هشتاد و دو حبه از چهل و چهار حبه و نیم آن خالصه و وقفی و پست و شش حبه و نیم دیگر آن ارباب مزروعی جناب میرزا محمد مهدی امام جمعه و جماعت دارالخلافه طهران

بدرشتوی آن چهل خروار و زرع صینی آن یکصد جریب علی الاستقرار است
مثالش بمقاطعه در سال بدون آفات ارضی و سماوی چهل تومان نقد و جنس
خروار جنس است ارضی آن با نضمام جریبان قریب بدو هزار جریب مساحت
و صورت عملش در دفاتر بدینگونه ضبط و ثبت است

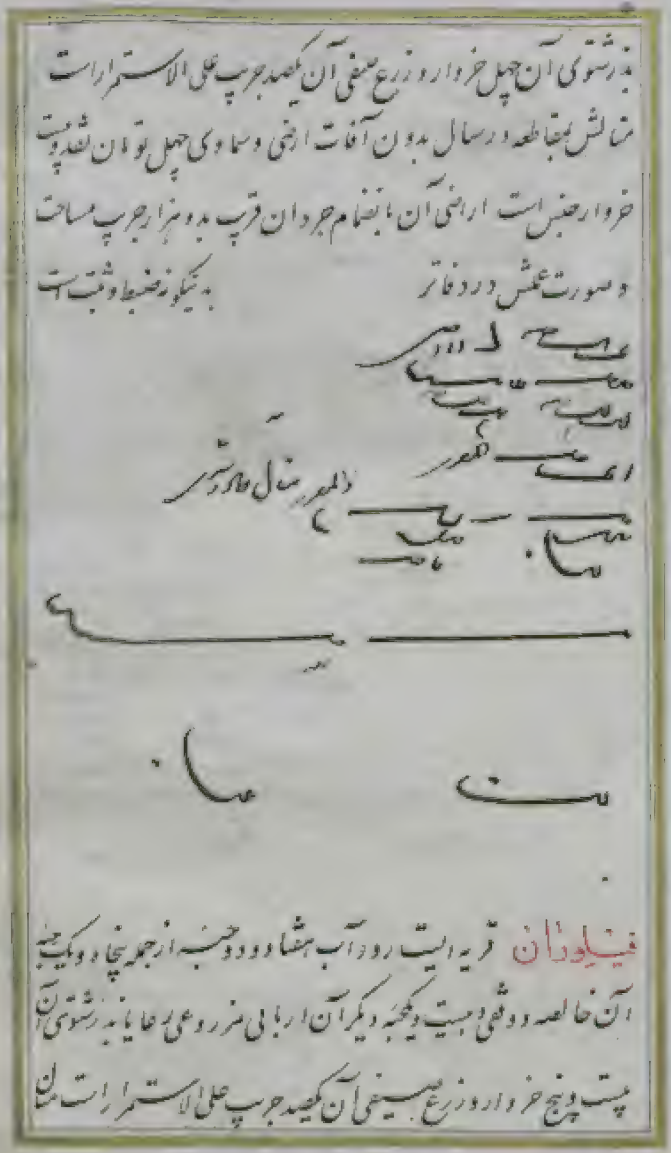

فیلوران قریه ایست رود آب هشاد و دو حبه از جمله پنجاه و یک حبه
آن خالصه دو ثلثی و بیست و یکحبه دیگر آن ارباب مزروعی رعایا بدرشتوی آن
پست و پنج خروار و زرع صینی آن یکصد جریب علی الاستقرار است مثال

فیلوران قریه ایست رود آب هشاد و دو حبه از جمله پنجاه و یک حبه
آن خالصه دو ثلثی و بیست و یکحبه دیگر آن ارباب مزروعی رعایا بدرشتوی آن
پست و پنج خروار و زرع صینی آن یکصد جریب علی الاستقرار است مثال
دیوانی آن دو تومان است و صورت عملش این است

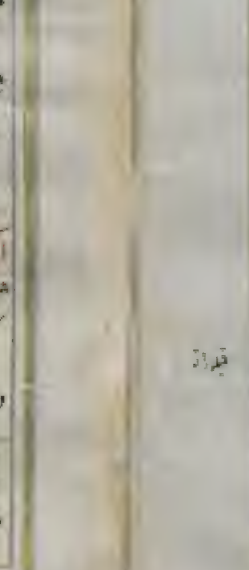

لنبان چهار سمت است اول سمت اشترجان و آن قریب
چهل و چهار قریه و مزرعه مرغوب است اراضی قراء مذکوره مساحت شده
قرار داده و سیاهه سرکار دیوان قضا شان اول آراضی
طاحونه فیض آباد مزرعه ایست رود آب اربابی مزروعی رعایا
بدرشتوی آن یکخروار و زرع صینی [illegible] جدید الفتق است مثال
دیوانی آن دو تومان [illegible] و صورت عملش این [illegible] است

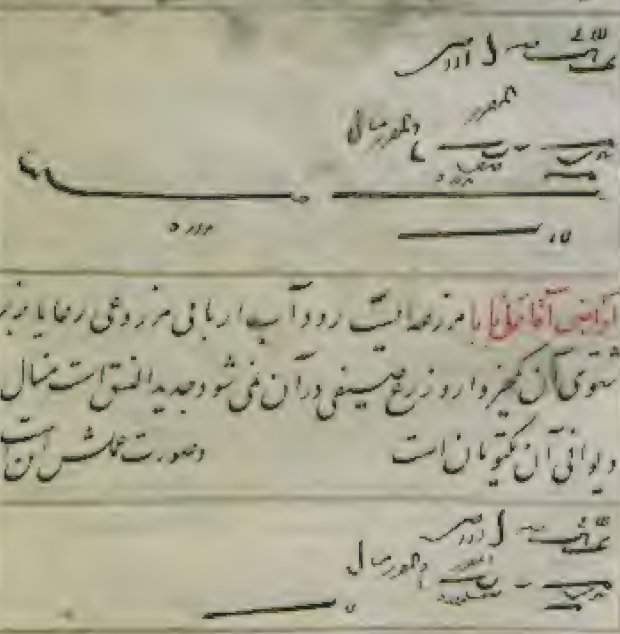

اراضی آقا علیا مزرعه ایست رود آب اربابی مزروعی رعایا بدر
شتوی آن یکخروار و زرع صینی در آن می شود جدید الفتق است مثال
دیوانی آن یکتومان است و صورت عملش این است

ارانین میانی علیشاه مزرعه ایست رود آب اربابی مزروعی رعایا
برزشتوی آن شصت من وزرع صیفی وشلتوک چهار جرب منال
عایدی سرکار دیوان کیخزوارجنس دسه خروار شلتوک است وصورت
عملش ازین قرار است

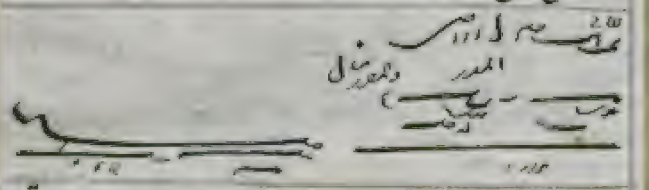

آذر قرایت رود آب اربابی مزروعی جناب امام جمعه برزشتوی
آن دو خروار وزرع صیفی آن چهل جرب منال عایدی سرکار دیوان
درسال سی تومان نقد است اراضی آن قرب جرب وصورت
عملش ازاین قرار است

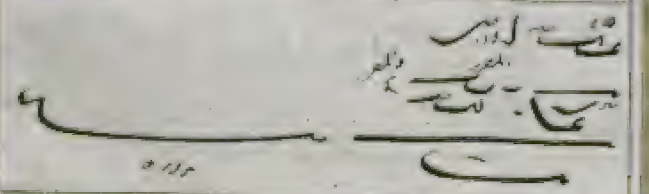

انفهران قرایت رود آب هفتاد ودو حبه مزروعی آقا

محمد مهدی قهدریجانی برزشتوی آن وزرع صیفی وشلتوک آن
یکصد جرب علی الاستمرار است منال عایدی سرکار دیوان چنانچه آفت
ارضی وسماوی رخ ننماید چهل تومان نقد وشصت خروار جنس وپنجاه خروار
شلتوک وصورت عملش این است

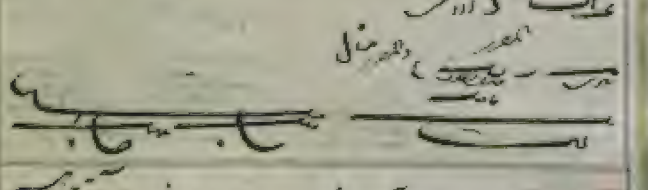

آفیاند قرایت رود آب هفتاد ودو حبه اربابی مزروعی آقا محمد ابراهیم
درچه برزشتوی آن دو خروار وزرع صیفی آن دو جرب علی الاستمرار است
منال عایدی دیوان بنحوی که در دفترخانه مبارکه ثبت است یکتومان نقد
ودویست خروار جنس غله وصورت عملش این است

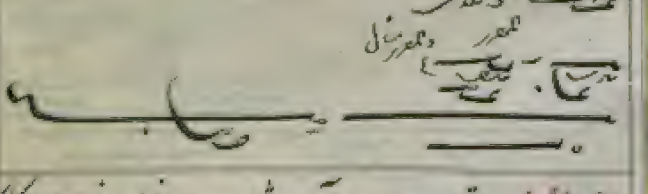

باغ وخوش قرایت رود آب هفتاد ودو حبه خالصه مزروعی سرکار

برشتوی آن هشتاد خروار و زرع صیفی و شلتوک آن چهارصد پنجاه جریب
الاستمرار است محصول عایدی سرکار چنانچه آفت ارضی و سماوی رخ نماید شصت
تومان نقد و پانصد خروار جنس غله و دویست خروار شلتوک است و صورت
عملش از این قرار است

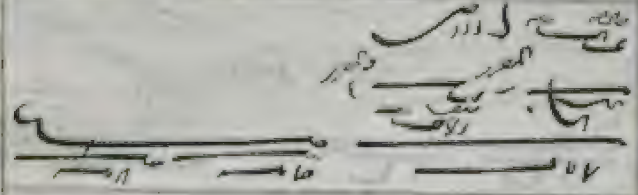

بونید قریه ایست رود آب هشتاد و دو وجه از جمله پنج و هشت حبه آن خالصه
و چهارده حبه دیگر کشش اربابی مزروعی رعایا بر شتوی آن و زرع
صیفی و شلتوک آن پست و پنج جریب علی الاستمرار است منال عایدی سرکار و دیوان
سی تومان نقد و هشت خروار شلتوک است و صورت عملش از این قرار است

بوزستکان مزرعه ایست رود آب اربابی مزروعی رعایا چه بدالنس است

چم کوشاله قریه ایست رود آب هشتاد و دو وجه از جمله پست و پنج حبه و نیم آن
خالصه و چهل و شش حبه و نیم آن اربابی مزروعی رعایا بر شتوی آن چهارده خروار
و زرع صیفی و شلتوک آن شصت جریب علی الاستمرار است منال عایدی سرکار
دیوان چنانچه آفت ارضی و سماوی رخ ننماید هشتاد تومان نقد و پست و سه خروار
شلتوک است و صورت عملش از این قرار است

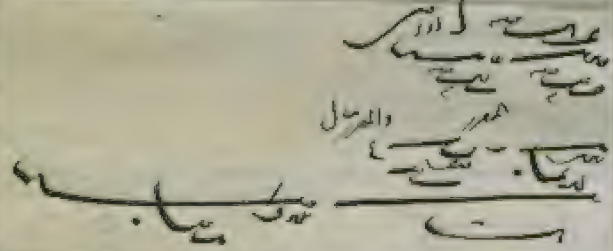

مزرعچه حوالی دارنجا قریه ایست رود آب هشتاد و دو وجه اربابی مزروعی
رعایا بر شتوی آن هفت خروار و زرع صیفی و شلتوک آن هشتاد جریب علی
الاستمرار است منال دیوانی آن چنانچه آفت ارضی و سماوی رخ ننماید چهل تومان
نقد و سی خروار شلتوک و صورت عملش در دفاتر دین کوه ثبت و ضبط است

دارانجان قریه‌ایست رود آب بمشاد و دو حبه وقفی مزروعی آقا محمد ابراهیم
و درچه بزرشتوی آن

درچه قریه‌ایست رود آب بمشاد و دو حبه خالصه قدیم مزروعی
آقا محمد ابراهیم درچه بزرشتوی آن وزرع صیفی و شلتوک
آن پنج حرب علی الاستمرار است محصول عایدی سرکار رودان چنانچه آفات ارضی و سماوی
رخ ننماید چهار تومان نقد و پنج خروار جنس غله و دو خروار شلتوک و
صورت عملش ازین قرار است

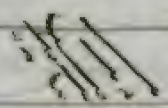

مزارع طاد قریه‌ایست رود آب بمشاد و دو حبه آسیاعی و مزروعی سرکار
بزرشتوی آن پنج خروار زرع صیفی و شلتوک آن چهل حرب علی الاستمرار است
و محصول عایدی سرکار چنانچه آفات ارضی و سماوی رخ ننماید شصت تومان
نقد و پنج خروار جنس غله و پانزده خروار شلتوک است اراضی آن قریب
و صورت عملش در دفاتر ازین قرار ثبت و ضبطه است

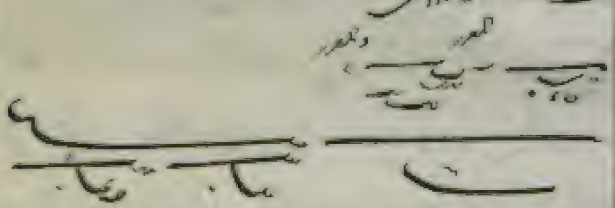

قران قریه‌ایست رود آب بمشاد و دو حبه از جمله شصت حبه دیم آن
خالصه و پانزده حبه دیم دیگرش وقفی مزروعی سرکار بزرشتوی آن شصت
خروار زرع صیفی آن سیصد و پنجاه حرب علی الاستمرار است محصول عایدی
سرکار چنانچه آفات ارضی و سماوی رخ ننماید چهار صد تومان نقد و دویست
خروار جنس است و اراضی آن قریب و صورت عملش این است

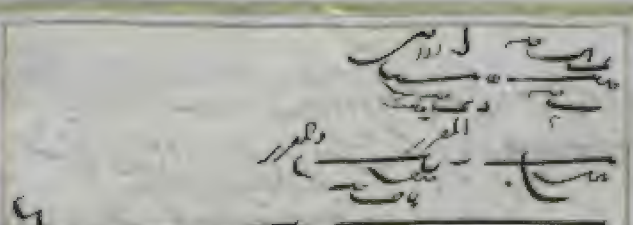

میلورجان قریه‌ایست رود آب هشتاد و دو حبه از جمله شصت و سه حبه آن خالصه و نه حبه دیگرش ارباب مزروعی رعایا یکدانگ و نیم و چهار دانگ نیم مزروعی سرکار بر زرشتوی آن پنجخروار و زرع صیفی و شلتوک آن هشتاد و نیم جریب علی الاستمرار است و محصول عایدی سرکار با انضمام منال یکدانگ و نیم مزروعی رعایا چنانچه آفات ارضی و سماوی رخ ننماید سی تومان نقد و پنجاه و پنجخروار جنس خلده سی خروار شلتوک است اراضی قریه مزبوره قریب و صورت عملش در دفاتر پدرش کوزه ثبت و ضبط است

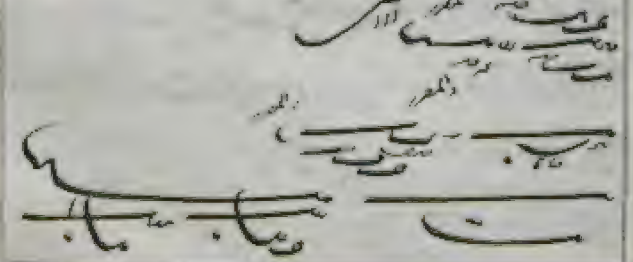

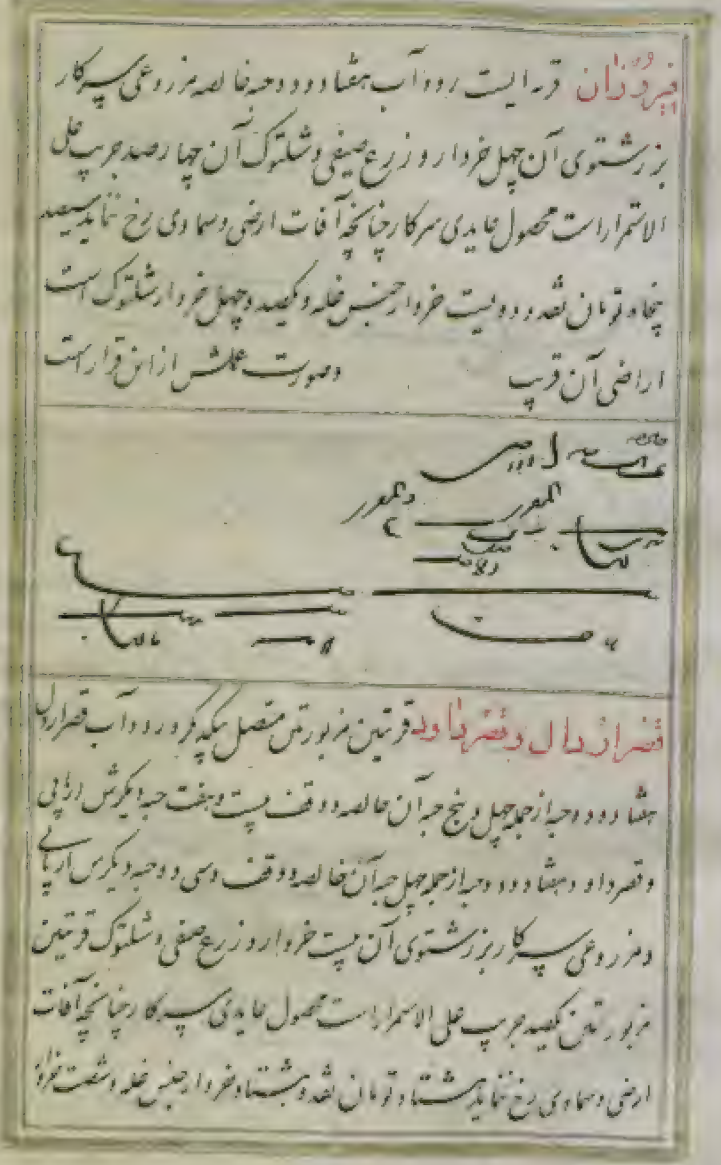

فیروزان قریه‌ایست رود آب هشتاد و دو حبه خالصه مزروعی سرکار بر زرشتوی آن چهل خروار و زرع صیفی و شلتوک آن چهارصد جریب علی الاستمرار است محصول عایدی سرکار چنانچه آفات ارضی و سماوی رخ ننماید سیصد و چهل تومان نقد و دویست خروار جنس خلده و یکصد و چهل خروار شلتوک است اراضی آن قریب و صورت عملش از آن قرار است

قصر ارد ال و قصر داود قریتین مزبورتین متصل بیکدیگر رود آب قصر ارد ال هشتاد و دو حبه از جمله چهل و نه حبه آن خالصه و قف پست و هفت حبه دیگرش ارباب و قصر داود هشتاد و دو حبه از جمله چهل حبه آن خالصه و قف سی و دو حبه دیگرش ارباب و مزروعی سرکار بر زرشتوی آن پست خروار و زرع صیفی و شلتوک قریتین مزبورتین یکصد جریب علی الاستمرار است محصول عایدی سرکار چنانچه آفات ارضی و سماوی رخ ننماید هشتاد تومان نقد و هشتاد خروار جنس خلده و شصت خروار

شلتوک است اراضی آن قریب وصورت عملش ازاین قرار است

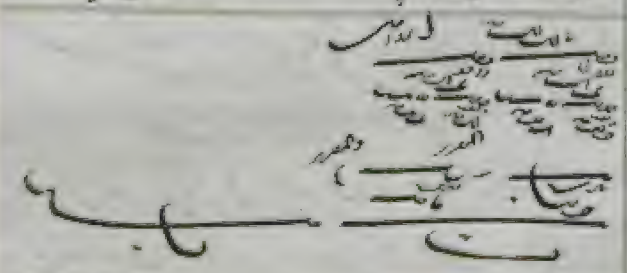

قصر نرجان و قصر کلاه قریتین مزبورتین رود آب هریک هشاد و دو حبه چهل چهار حبه خالصه و پست و هشت حبه دیگرش ارباب مزروعی رعایا بر رشتوی قریتین مزبورتین پست خروار زرع صیفی و شلتوک آن یکصد و سی جریب علی الاستمرار است منال دیوانی قریتین مزبورتین چنانچه آفات ارضی و سماوی رخ ننماید یکصد و سی تومان نقد و یکصد و ده خروار شلتوک است اراضی آن قریب

وصورت عملش ازاین

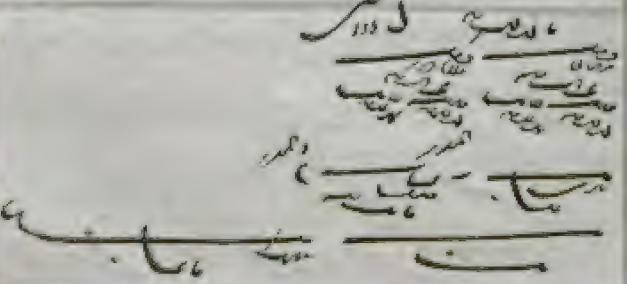

قلعه محمد شریف بیات رود آب ارباب مزروعی رعایا بر رشتوی آن پنج خروار زرع صیفی و شلتوک آن پست جریب علی الاستمرار است منال عایدی دیوان چنانچه آفات ارضی و سماوی رخ ننماید شصت و پنج تومان و ده خروار شلتوک است اراضی قریه مزبوره قریب

وصورت عملش ازاین قرار است

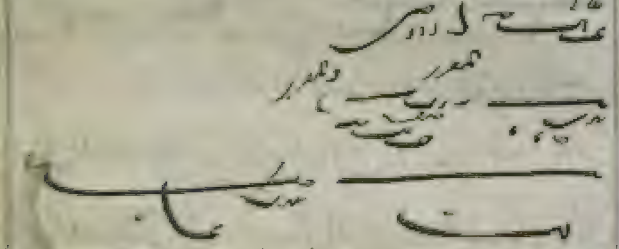

کاونان قریه است رود آب هشاد و دو حبه از جمله پست و سه حبه نیم آن خالصه و چهل و هشت حبه دیگرش ارباب چهار دانگ آن آقای عضدی و مزروعی سرکار رود و دانگ دیگرش مزروعی رعایا بر رشتوی آن چهل خروار زرع صیفی و شلتوک آن یکصد و پنجاه جریب علی الاستمرار است محصول چهار دانگ مزروعی سرکار بانضمام منال دو دانگ مزروعی رعایا چنانچه آفات ارضی و سماوی رخ ننماید یکصد و پنجاه تومان نقد و یکصد

یعنی خروار جنس غله وسی خروار شلتوک است واراضی آن قریب
وصورت عملش در دفاتر [illegible] بدین کونه ثبت وضبط است

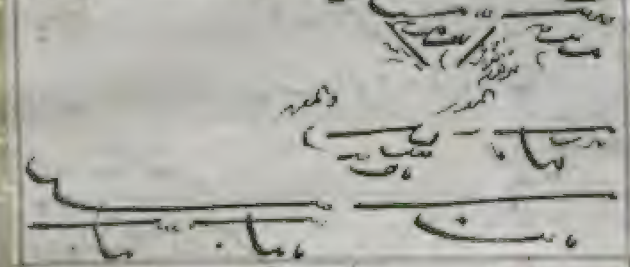

کلکان قریه است رود آب هفتاد و دو حبه از جمله سی و شش
حبه آن خالصه وسی و شش حبه دیگرش ارباب مزروعی رعایا رشته وی آن پنج
خروار دو زرع صیفی آن نوزده جریب علی الاستمرار است منال عادی
سرکار دیوان چنانچه آفات ارضی وسماوی رخ ننماید پانزده تومان نقد و
پانزده خروار جنس غله است اراضی آن قریب وصورت عملش

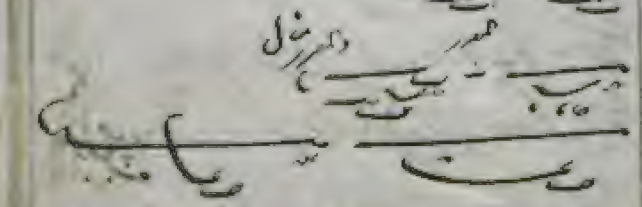

آن بدون آفات ارضی وسماوی موافق شش وخمس چهل تومان نقد وچهار
جنس است اراضی آن قریب هفتصد جریب مساحت وصورت عملش در دفاتر
بدینکونه ثبت است

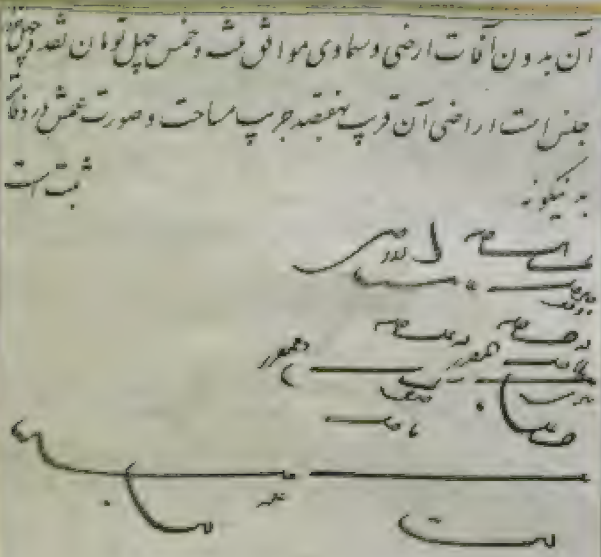

فودو پانچه رود آب قریتین مزبورتین متصل بیکدیگر هریک هفتاد
ودو حبه شصت ونه حبه آن وقفی وسه حبه دیگر آن ارباب مزروعی رعایا
بذر شتوی آن پانزده خروار دو زرع صیفی در آن جا کمتر میشود
منالش در سال بدون آفات ارضی وسماوی ده خروار جنس است
اراضی آن قریب شصت جریب مساحت وصورت عملش در دفاتر
بدینکونه ثبت است

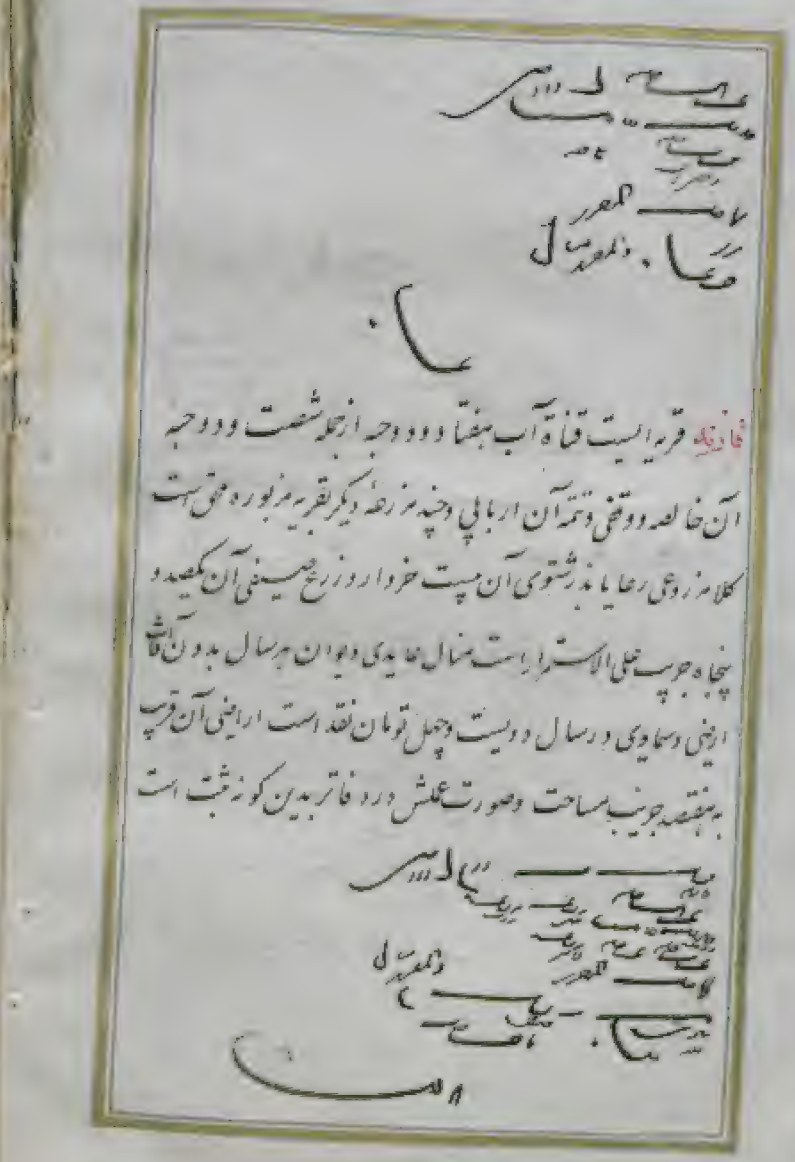

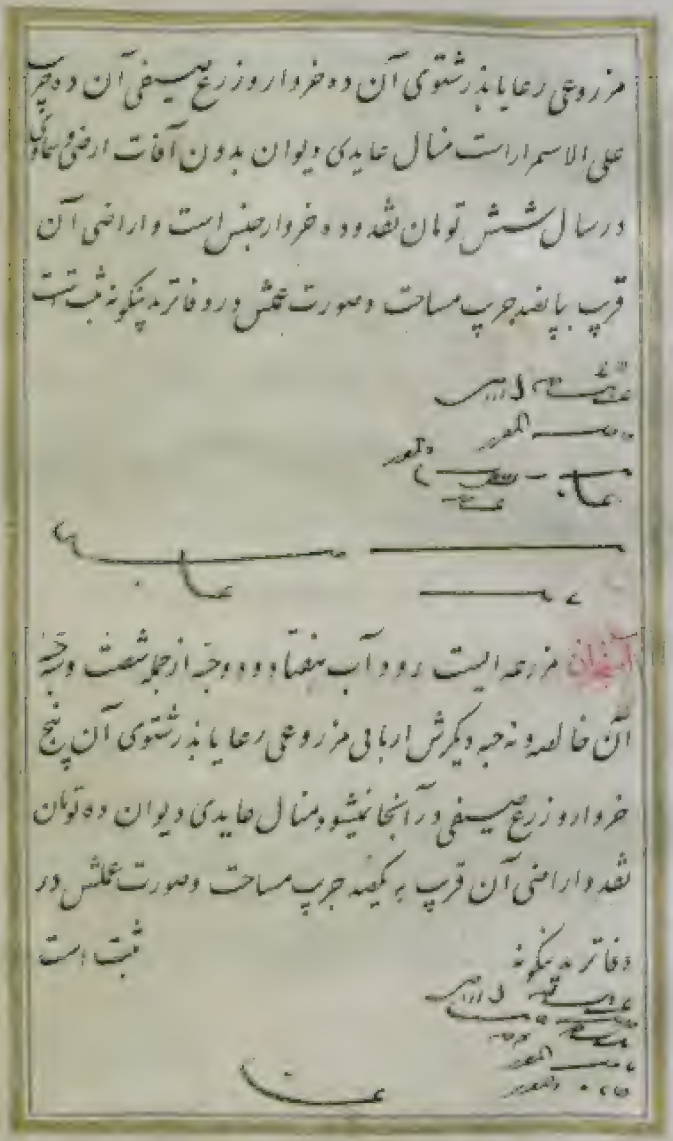

اراضی سیان رود آب هفتاد و دو حبه آن ارباب مزروعی رعایا
بزرشتوی آن ده خروار و زرع صیفی در آنجا نمیشود منال آن
بدون آفات ارضی و سماوی دو خروار جنس است اراضی آن قریب
بکصد جریب مساحت و صورت غلش در دفاتر مینگونه ثبت است

[illegible]

ثلث آن مزرعه ایست رود آب هفتاد و دو حبه آن ارباب ما بالتمام
مزروعی رعایا بزرشتوی آن ده خروار و زرع صیفی در آنجا کمتر است
منال جایدی دیوان در سال بدون آفات ارضی و سماوی
نقد اجناسا پنج تومان است اراضی آن قریب بچهارصد جریب
مساحت و صورت غلش در دفاتر بدین گونه ضبط و ثبت است

[illegible]

فصل شش در وصف رویدشتین حماه الله تعالی من کل شر و شین
رویدشتین بلوکیست بغایت معظم و از بلوکات دیگر دار السلطنة اصفهان
مزرعی مانند او من حیث الکیف والکم کم است آبش از زنده رود و قری
و مزارعش اغلب بطول رود خانه مبارکه معدود از قدیم الایام حسب
الامر سلاطین جم حشمین مهد سین مجلی قرین و معماران اقلیدس آئین
بعلت پستی رود خانه و بلندی زمین بلوک مزبور در سه موضع از رود
خانه بند محکم متین و سد مستحکم رزین بسته اند بنحویکه هریک از بندهای ثلثه
از نهایت متانت و نهایت رزانت تا لی نیدیر بروثانی سد اسکندر است
و از نبشدن آب در هریک از مواضع ثلثه اصطخری معمور بلکه ویرانی
در مد نظر را نکذر آید و از هر اصطخری مادی پر آب آباد که غیرت دجله
بغداد است بر سطح زمین جاری و بقری و مزارع بلوک مزبور سار است
و مادیهای ثلثه مزبور بر بخنیج و شالیزه ده و مروان مشحون زرع محصولات بلوک
مزبور کمثل حبه انبت سبع سنابل فی کل سنبلة مائة حبة و قیمت حبه از صناع
و عقلا رش پنج الی پانزده الف دینار من و نامیر و اضع الحبه است با
وجود اینکه بلوک مزبور بین آب و از زمان عبور و مرور افغان بآن حدود

الی الآن بعضی قری و مزارع آن خراب است مواد و زراعتش باریک و فواحش با صعبیت است مردم بلوک مزبور هفت پشه و فلکه رود را حقابه یکدیگر محتاط و پرهیزکارند وقوع قری و مزارعش ما بین شمال و مشرق بلده مشهد و حدودش بر آن و جرقویه و قهپایه و پابان و ارالعباد و مخارج مشتمل بر پنجاه و شصت قریه و مزرعه معدود چنانکه در ذیل ترتیب مفصل مرقوم است

سادی جندق و شانزده مشتمل بر قرا و مزارع مفصله قراءه اول از قرا

ابطوآباد است و آن قریه ایست رود آب هفتاد و دو وجه از نصف آن تا علی سرکار و نصف دیگرش وقفی کلا مزروعی سرکار بذر شتوی آن سی خروار و زرع صیفی آن پست جریب علی الاستمرار است محصول عادی آن بدون آفات ارضی و سماوی سی تومان نقد و یکصد و پنجاه خروار جنس است و ارضی آن قریب بهزار و دویست جریب مساحت و صورت عملش در دفاتر دیوانی ثبت است

ضبط و

ثبت است

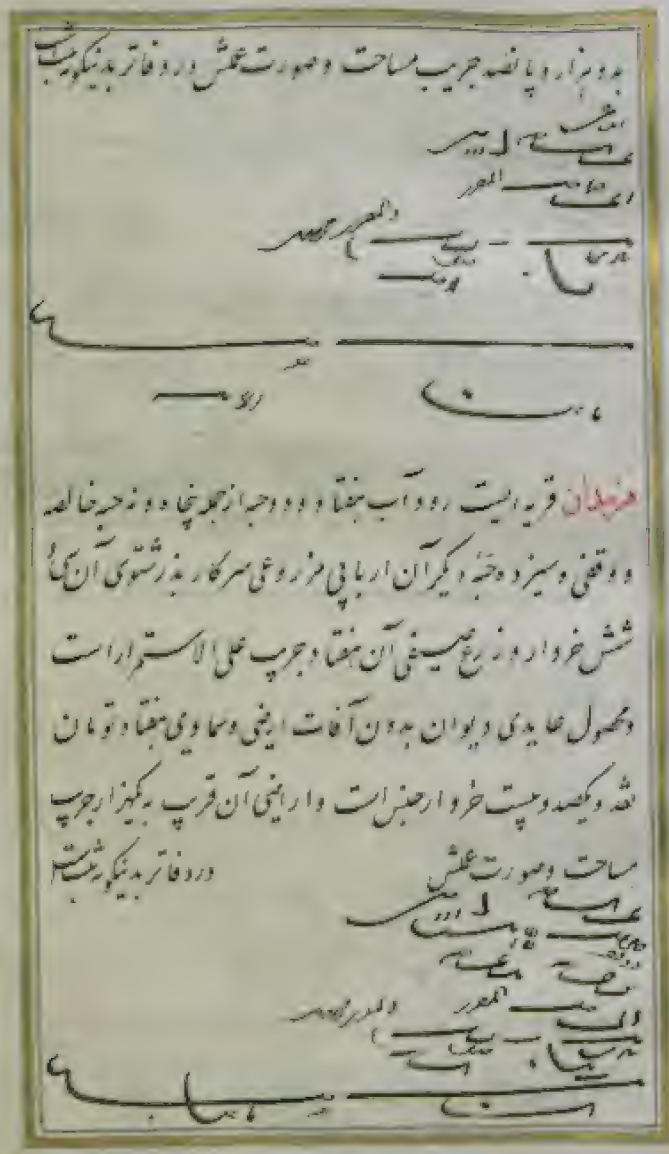

هزار و پانصد جریب مساحت و صورت عملش در دفاتر دیوانی ثبت است

هرجان قریه ایست رود آب هفتاد و دو وجه از جمله پنجاه و نه وجه خالصه و وقفی و سیزده وجه دیگر آن ارباب مزروعی سرکار بذر شتوی آن سی و شش خروار و زرع صیفی آن هفتاد جریب علی الاستمرار است و محصول عادی دیوان بدون آفات ارضی و سماوی هفتاد تومان نقد و یکصد و پنجاه خروار جنس است و ارضی آن قریب بهزار جریب مساحت و صورت عملش در دفاتر دیوانی ثبت است

مزرعه آباد قریه‌ایست قنات آب هفتاد و دو وجه آن از بالای مزروعی
سادات بذرشتوی آن پنج خروار و زرع میشی آن چهل جریب
علی الاستمرار است مشاش بدون آفات ارضی و سمادی چشت توان
نشه و پنج خروار جنس است و اراضی آن قریب بسیصد جریب مساحت
و صورت عمش در دفاتر بدینگونه ضبط و ثبت است

آنبخان مزرعه‌ایست رود آب خرو فیلو ران هفتاد و دو وجه آن مزروعی

ماغور مزرعه‌ایست رود آب هفتاد و دو وجه از پنج خ وجه آن خالصه و
شصت و هفت وجه دیگر آن از بالا بذرشتوی آن شش

فصل هشتم در بیان توضیح گزارش و آن جوکیت و تشیش و مساحت
فرد و مس قرین یکدیگر محصول آنش خوب و ضیاع و عقار آن مرغوب میباشد و آنچه
اغلب از زنده رود و حصه رود و خورش جوکین می‌برد آن محله و در برابر آن
و بالاتین فرد و مس آنش خلد برین است سر تونه و پیش رود و پیش سراج و در آنش
مراتع و مرغوار جنان را بر جان و جنان هزاران آنش است و قوع قریه
و مزارعش از جهت مشرق به و حصور و پیش پشت جول رود خانه مبارکه محمد میشل
بر پانزده شانزده پارچه قریه مختار رود و دو رود و مزرعه جنت خوار است
باغاتش از بیاتین و جویبار قریه حیات بخش من تحتها الانهار است انجیر
مانند بهشی بوکات نقده و دار السلطنه اصفهان من حیث الکیفیه کمثل و توحین از فواکه
فراه اول فراهه رود و بوک مزبور **اشکاوند** است و آن قریه ایست
رود آب از جمله هفتاد و دو وجه آن پنج وجه خالصه قریه چم و شصت و هفت وجه دیگر
آن از بالا بذرشتوی حصه رود چنده است از آن جمله دوازده وجه را میرزا
حسن مشرف صنعه و قناته مبارکه مالک و زارع و عمال آنرا هر سال نشیه
قوان و شش خروار بفاصله بادیوان میکند از روی جبه دیگر از بوک
اربابی را میرزا مهدی نام گزارجی مالک و عمال آنرا هر سال از بوک

بیست تومان و بیست خروار قرار داده و پنج حبه از جمله ملک ارباب
با انضمام پنج حبه خالصه قدیم کارکذاران نواب مالک رقاب اشرف
و هر سال بقدر بیست خروار بذر شتوی و یکصد جریب زرع صیفی مزروع
و محصول آن بعد از وضع ربع دیگیش چنانچه آفات ارضی را
رخ ننماید پنجاه تومان نقد و یکصد خروار جنس خالصه دیوان است که از ابواب
پیشکش دوازده آن یکهزار و دویست جریب مساحت و مصور تخمش در دفاتر مرقوم
و ثبت است

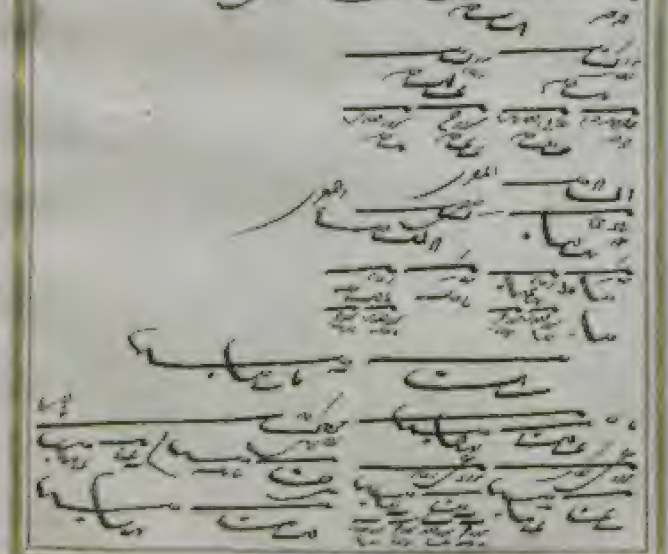

اصفهانک قریه ایست رود آب و بنقاده و دو وجه آن از موقوفات مرحمت
و غفران نشان علیین آشیان شاه شاهان حسینی و نوبت تولیت آن
در بین اولاد ایشان بجانب سلاله السادات و الانجاب میرزا قوام الدین محمد
گردیده سلسله است رسیده و نصف قریه مذکوره بسادات موقوف علیهم مسلم و
متصرف جمیع انحاء آن بحیثیت مرفوع القلم و نصف دیگر آن را بطریق اجاره
و استیجار و با آن منضم دیوان نصف میلی سادات و چهار تومان و چهار
خروار ربع کارکذاران نواب مالک رقاب اشرف و الا بقدر پنج خروار
بذر شتوی و یکصد و پنجاه جریب زرع صیفی مزروع و محصول آن بعد وضع دیگ
آفات ارضی و سماوی رخ ننماید هشتاد تومان نقد و دویست خروار جنس خالصه
دیوان است و اراضی قریه مذکوره قریب شش هزار جریب مساحت و مصور تخمش

و در دفاتر مرقوم

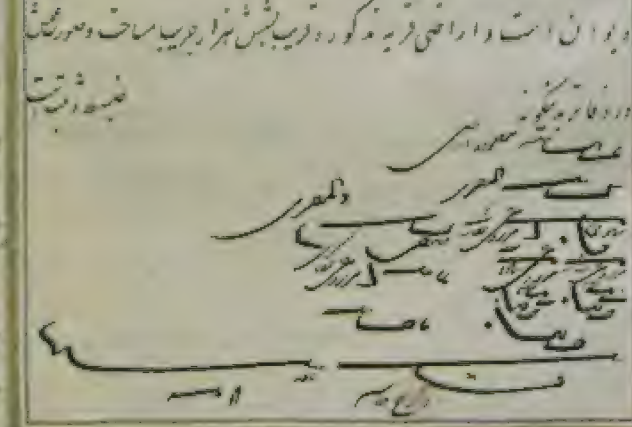

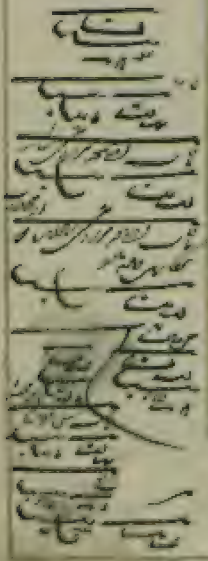

بابان قریه ایست کوچک در رود آب از جو هفتاد و دو جبه نه جبه دشتی و سه جبه دیگر دربا باتفاق کریم نام ضابط بوک مذکور به نشستوی آن دو فرد و زرع صیفی آن پنجاه جریب علی الاستمرار است و منال دیوان از آن بمقاطعه ده تومان دو فرد برقرار است در اراضی آن قریه جریب و صورت تحش در دفاتر بدیگونه ثبت است

پنجم قریه ایست رود آب از جو هفتاد و دو جبه بیست و دو جبه چهار دانگ از یکجبه آن خالصه و دشتی و نه جبه و دو دانگ از یکجبه آن دربا باست نصف آن مزروعی و در شش جایی جسر کرار جی و منال آن را هر سال بسته رحمول محکمه

به دیوان جبه و نصف دیگر دربا باست مذکور مستمرها کار کنان از ان قرار است

ششم قریه ایست رود آب از جو هفتاد و دو جبه نه جبه و دو دانگ از یکجبه آن خالصه و دشتی و نه جبه و دو دانگ از یکجبه آن دربا باست نصف آن مزروعی و در شش جایی جسر کرار جی و منال آن را هر سال بسته رحمول محکمه

هفتم قریه ایست رود آب از جو هفتاد و دو جبه نه جبه و دو دانگ از یکجبه آن خالصه و دشتی و نه جبه و دو دانگ از یکجبه آن دربا باست نصف آن مزروعی و در شش جایی جسر کرار جی و منال آن را هر سال بسته رحمول محکمه

هشتم قریه ایست رود آب از جو هفتاد و دو جبه نه جبه و دو دانگ از یکجبه آن خالصه و دشتی و نه جبه و دو دانگ از یکجبه آن دربا باست نصف آن مزروعی و در شش جایی جسر کرار جی و منال آن را هر سال بسته رحمول محکمه

نهم قریه ایست رود آب از جو هفتاد و دو جبه نه جبه و دو دانگ از یکجبه آن خالصه و دشتی و نه جبه و دو دانگ از یکجبه آن دربا باست نصف آن مزروعی و در شش جایی جسر کرار جی و منال آن را هر سال بسته رحمول محکمه

دهم قریه ایست رود آب از جو هفتاد و دو جبه نه جبه و دو دانگ از یکجبه آن خالصه و دشتی و نه جبه و دو دانگ از یکجبه آن دربا باست نصف آن مزروعی و در شش جایی جسر کرار جی و منال آن را هر سال بسته رحمول محکمه

چهارم قریه ایست رود آب از جو هفتاد و دو جبه آن خالصه با تمام و مزروعی آن چاکر عهده دیست فرجام بدر نشستوی آن چهل فرد و زرع صیفی آن دویست جریب علی الاستمرار است منال دیوان از آن پانزده تومان و پانزده فرد است

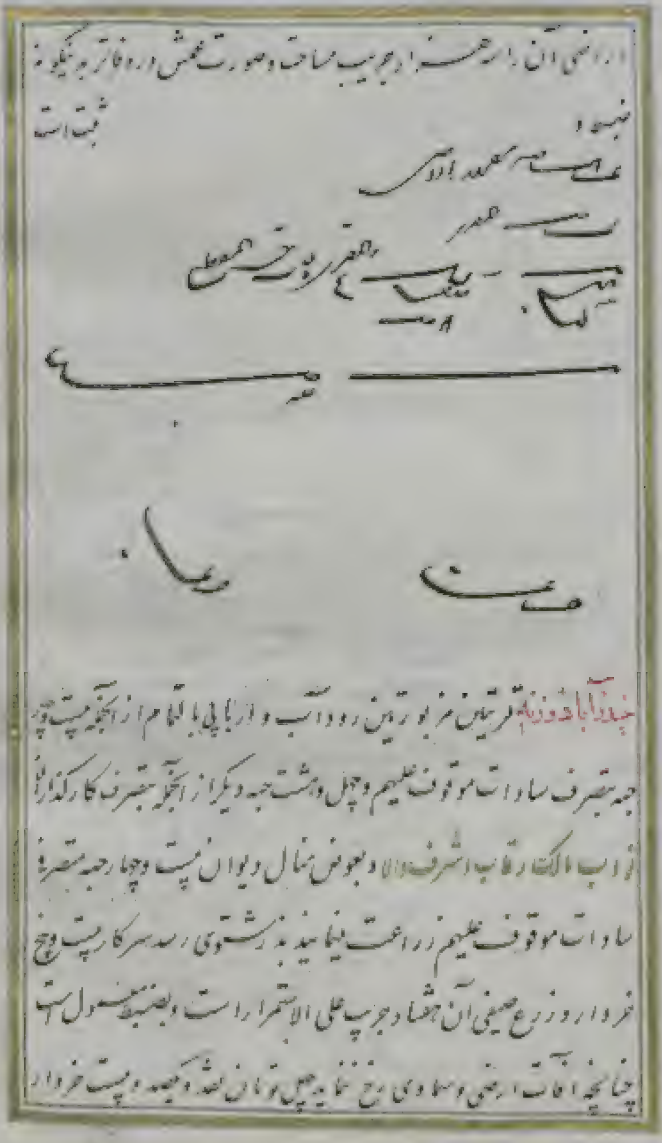

چندوآباد دونبه قریتین مزبورتین رود آب و اراپی بالتمام از انجمه پست چهار
جبه بتصرف سادات موقوف علیهم وچهل وهشت جبه دیگر از انجمه بتصرف کارکنان
نواب مالک رقاب اشرف والا وبعوض بمثال دیوان پست وچهار جبه متصرفه
سادات موقوف علیهم زراعت مینمایند بدرشتوی رسد سرکار پست وپنج
فروار وزرع صیفی آن هشاد جریب علی الاستمرار است وبضبط محصول است
چنانچه آفات ارضی وسماوی رخ ننماید چهل تومان نقده وکسه وپست فروار

جنس جایزی دیوان واراضی انهاده وهزار جریب مساحت وصورت عمش
واردفاتر بدینگونه ضبط وثبت است

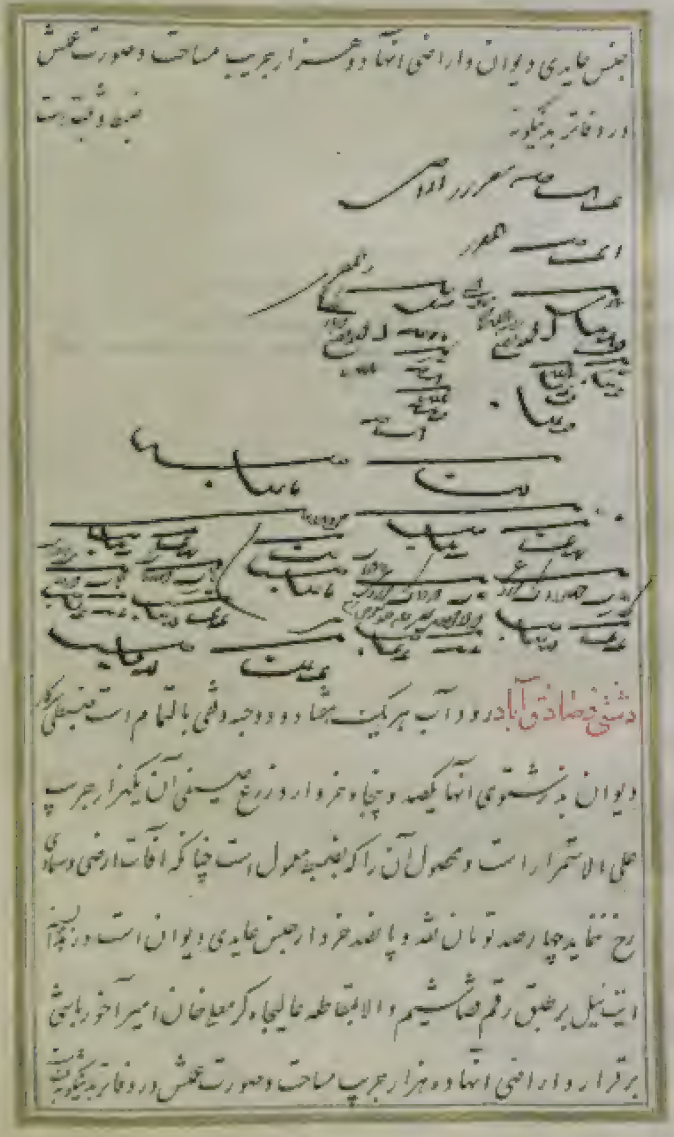

دشتی قصادق آباد رود آب هریک نهاده ودوجبه دشتی بالتمام است تصبطی سرکار
دیوان بدرشتوی انهاکیصد وپنجاه فروار وزرع صیفی آن یکهزار جریب
علی الاستمرار است ومحصول آن راکه بضبط محصول است چنانکه آفات ارضی وسماوی
رخ ننماید چهارصد تومان نقده وپانصد فروار جنس جایزی دیوان است وبدینسبب
ایت نیل برطبق رقم قضاشیم والاقتاطه عالیجاه کرمعلیخان امیرآخور باشی
برقرار واراضی انهاده هزار جریب مساحت وصورت عمش واردفاتر بدینگونه ثبت است

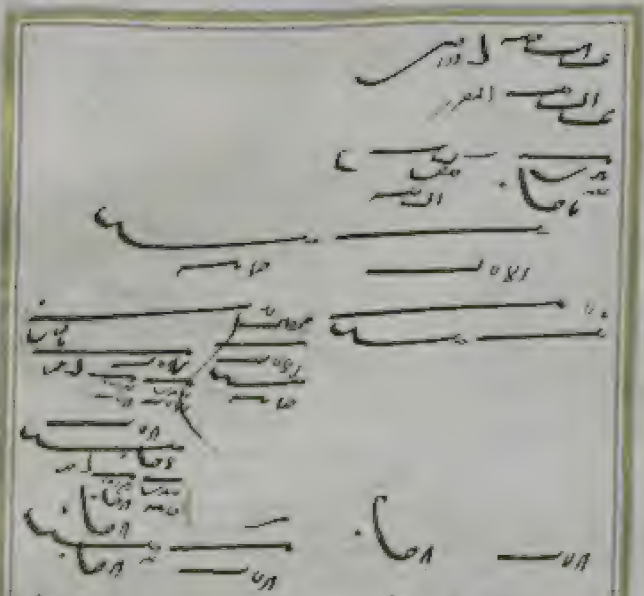

رودآب از جمله مذکور دوازده جه خالصه قدیم و پست و شش جه آن از جمله موقوفات مسجد جامع جدید عباسی و سی و چهار جه دیگر آن از بابا و مزروعی عالیجناب مقدس القاب فضایل و فواضل نصاب حقایق و معارف اکتساب محامد و مکارم اداب افضل الفضلاء العظام و اعلم العلماء الاعلام مرجع الافاضل مجمع فنون الفضایل آخوند ملا علی نوری است بذرشتوی آن سی خروار و زرع صیفی آن یکصد جریب علی الاستمرار است نمایش هر ساله بهفده تومان و پست و چهار خروار بمقاطعه برقرار است

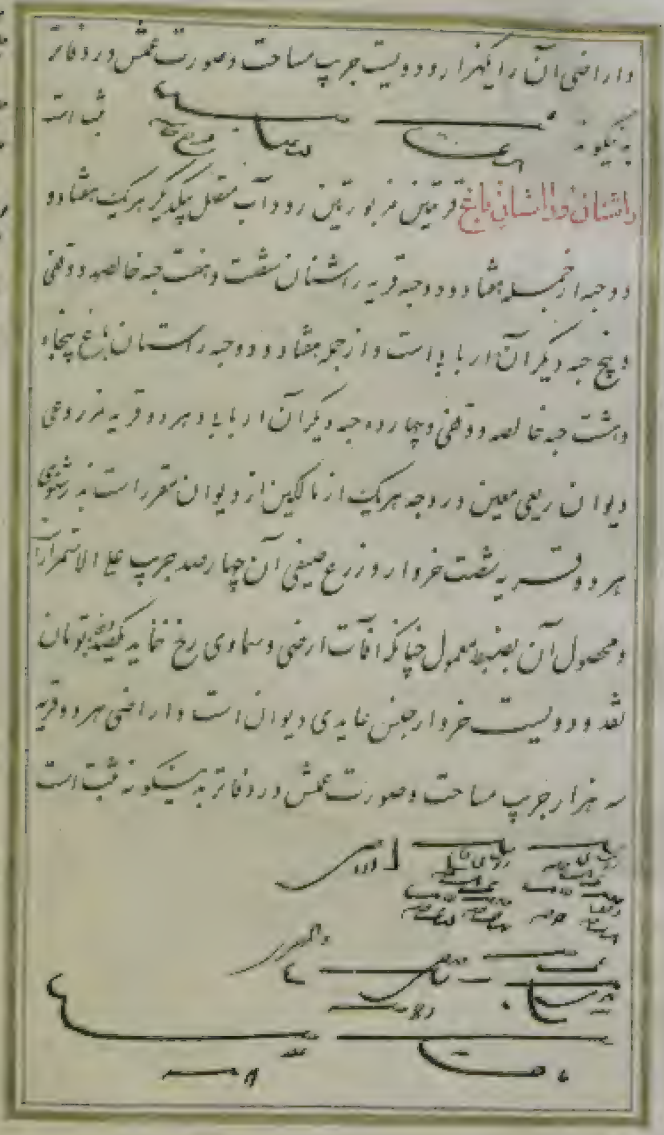

دار اضی آن را یکهزار رودویست جریب مساحت و صورت عمش در دفاتر بنیکوته ثبت است

راشتان و داشتان باغ قریتین مزبورتین رودآب مشتمل بیکدگر هریک هشتاد و دو جه از جمله هشتاد و دو جه قریه راشتان شصت و هفت جه خالصه و دوقلی و پنج جه دیگر آن اربابیست و از جمله هشتاد و دو جه راشتان باغ پنجاه و هشت جه خالصه و دوقلی و چهار ده جه دیگر آن اربابی و هر دو قریه مزروعی دیوان رعیتی معین در دو جه هریک از مالکین از دیوان مقرراست بذرشتوی هر دو قریه یکصد خروار و زرع صیفی آن چهارصد جریب علی الاستمرار است و محصول آن بضمیمه محصول چناگز افات اراضی و سماوی رخ خانه یکصد و پنجاه تومان نقد و دویست خروار جنس عایدی دیوان است و اراضی هر دو قریه سه هزار جریب مساحت و صورت عمش در دفاتر بنیکوته ثبت است

رودان وقومها رود آب هریک بهشاد و دو وجه ارباب حالیجناب قدسی القاب
سیادت و سعادت انتساب افادت و افاضت اکتساب هدایت و درایت
مآب فضایل و معارف نصاب محمدت و مجدت مآب جامع المعقول والمنقول
حاوی الفروع والاصول امام الایام مقتدی الانام علامه علماء الدین
کهف الحاج والمعتمرین سلطان العلماء آقا آقا حاجی میرزا احمد حسنا دام فضله
بذرشتوی آنها پست خروار و زرع صیفی آنها یکصد جریب علی الاستمرار است
و منال دیوانی آنها پست تومان و پست خروار مقاطعه است و اراضی
هر دو قریه بشصت جریب مساحت و صورت عملش در دفاتر بدیگونه ثبت است

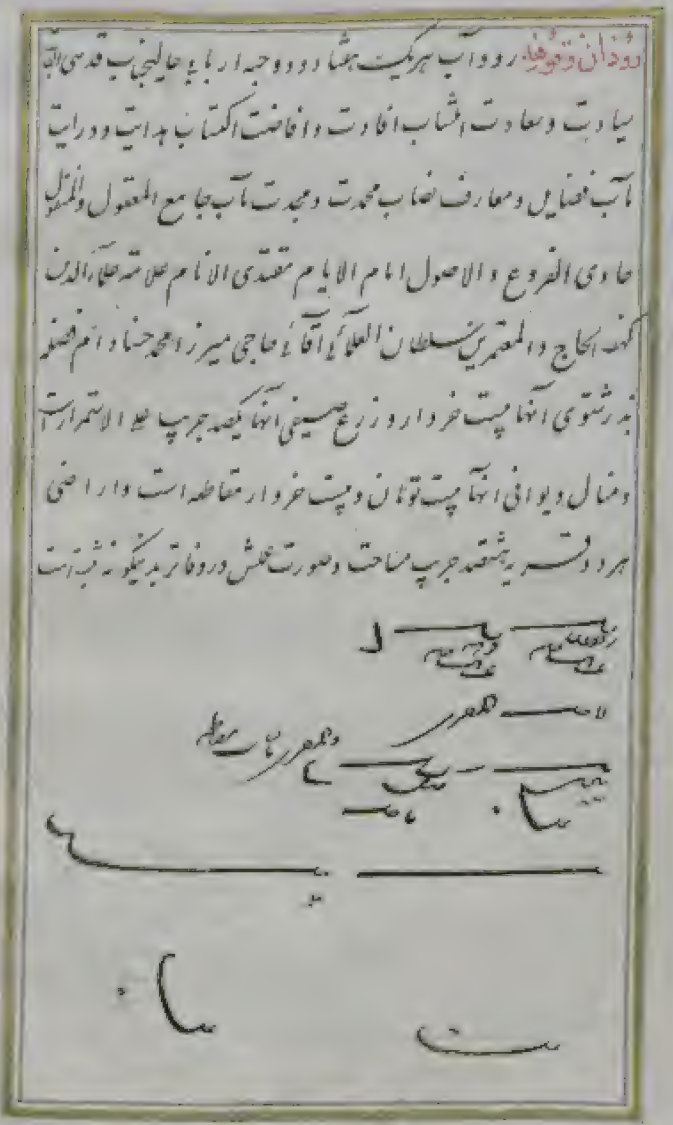

شروشفادان قریه ایست رود آب از جمله مشاد و دو وجه چهل و نه وجه آنها
نواب اشرف والا و پست و سه وجه دیگر آن ارباب غیر کلا مزروعی سرکار
بذرشتوی آن یکصد و پست خروار زرع صیفی آن که پنجه سرکار مزروع
میشود یکهزار جریب علی الاستمرار است و محصول آن بضبط محصول بعد از وضع
ربع لکین بدون آفات ارضی و سماوی شصت تومان نقد و پانصد خروار
جنس عایدی دیوان است و اراضی قریه مزبوره با تمام مزارع
تابعه چهار هزار جریب مساحت و صورت عملش در دفاتر بدیگونه ثبت است

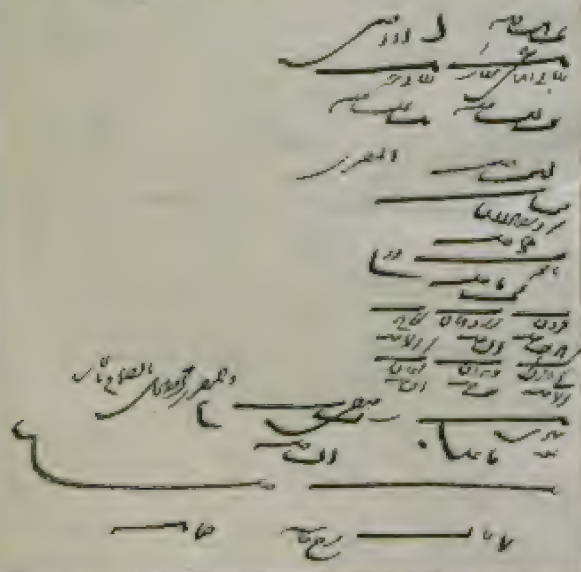

نوذان قریه ایست رود آب از جمله هفتاد و دو حبه خ حبه وقفی و شصت و هفت
حبه دیگر آن ارباب مزروعی دیوان است بذرشتوی آن پست و چهار
خروار و زرع صیفی آن یکصد جرب علی الاستمرار است محصول آن منبط
معمول است و چنانچه آفات ارضی و سماوی رخ ننماید هشتاد و تومان نقد
و یکصد خروار جنس عاید دیوان است و اراضی آن یکهزار جرب مساحت
و صورت عملش در دفاتر بدیگونه ثبت است

بایدان مزرعه ایست رود آب هفتاد و دو حبه از جمله چهل و سه حبه آن
وقفی و پست و نه حبه دیگر آن ارباب مزروعی میرزا نصیر است بذرشتوی
آن چهار خروار و زرع صیفی آن پنج جرب علی الاستمرار است
منالش در سال دو تومان نقد و دو خروار جنس است اراضی آن
قریب پنجاه جرب مساحت و صورت عملش در دفاتر بدیگونه
ثبت است

فرادان قریه ایست رود آب از جمله هفتاد و دو حبه چهل حبه آن اشرفی
نواب اشرف والا دینی و دو حبه دیگر آن خالصه و شصتی مزروعی دیوان

بوشت مزرعه ایست قناتی آب هفتاد و دو وجه آن ارباب مزروعی رحیم
بذرشتوی آن چهار خروار و زرع حسینی آن سی جریب علی الاستمرار است
مناش بدون آفات ارضی و سماوی ده تومان نقد و پنج خروار جنس است
و اراضی آن قریب به سیصد جریب مساحت و صورت عمش در دفاتر بدیگونه

[illegible]

حسن آباد مزرعه ایست قناتی آب هفتاد و دو وجه آن ارباب مزروعی
میرزا سید علی مستوفی بذرشتوی آن سه خروار و زرع حسینی آن پنجاه جریب
علی الاستمرار است مناش حسب الرقم [illegible] برشا رایه
مسلم و معاف است

حسب الامر است

بذرشتوی آن ده خروار و زرع حسینی آن دویست جریب علی الاستمرار است
و محصول آن بضبط عمل میشود بدون آفات ارضی و سماوی یکصد تومان
نقد و پنجاه خروار جنس عایدی دیوان است و اراضی قریه مزبوره
و دشکان تابعه یکهزار جریب مساحت و صورت عمش در دفاتر بدیگونه است

[illegible]

نرجان قریه ایست رود آب هفتاد و دو وجه است نصف خالصه و نصف
دیگر آن ارباب قبل ازین عبد الحسین خان اوقاتلیکت در زراعت میبود
حال دو سال است که از بذر دیوان زراعت میشود بذرشتوی آن پنج
خروار و زرع حسینی آن هفتاد جریب علی الاستمرار است و محصول آن

بضبط عمل میشود بدون آفات ارضی و سماوی پنجاه تومان نقد و هفتاد خروار جنس عایدی دیوان است و اراضی آن یکهزار جریب مساحت و صورت عمش و دفاتر به یکدیگر مطابقت

دیزبان قریه ایست رود آب بهشاد و دو جبه ارباب سادات کهستانات

و فرد وعی میرزا سید حسن بذرشتوی آن چهار رد خروار و زرع صیفی آن یکصد جریب علی الاستمرار است و مثال آن هر سال ده تومان نقد و ده خروار جنس بقاطعه برقرار است و اراضی آن بعد از وضع

بود و مثال دیوانی آن پنجاه تومان و پنجاه خروار بود بذرشتوی آن پنجاه خروار و زرع صیفی آن دویست جریب علی الاستمرار است و محصول عایدی دیوان که بنده دیوان مزروع شود بدون آفات ارضی و سماوی یکصد تومان نقد و دویست خروار جنس است اراضی قریه مذکور قریب بهزار جریب مساحت و صورت عمش و دفاتر به یکدیگر مطابقت

مشاباد قریه ایست قنات آب سی و شش طاق چهار طاق آن خالصه و سی و چهار طاق دیگر آن ارباب مزروعی حاجی عبد الحق قجاوکستانی بذرشتوی آن سی خروار و زرع صیفی آن یکصد جریب علی الاستمرار است و مثال دیوانی آن هر سال پنج تومان و پنج خروار جنس است اراضی آنچه دایر است قریب بپنجهزار جریب مساحت و صورت عمش و دفاتر به یکدیگر مطابقت

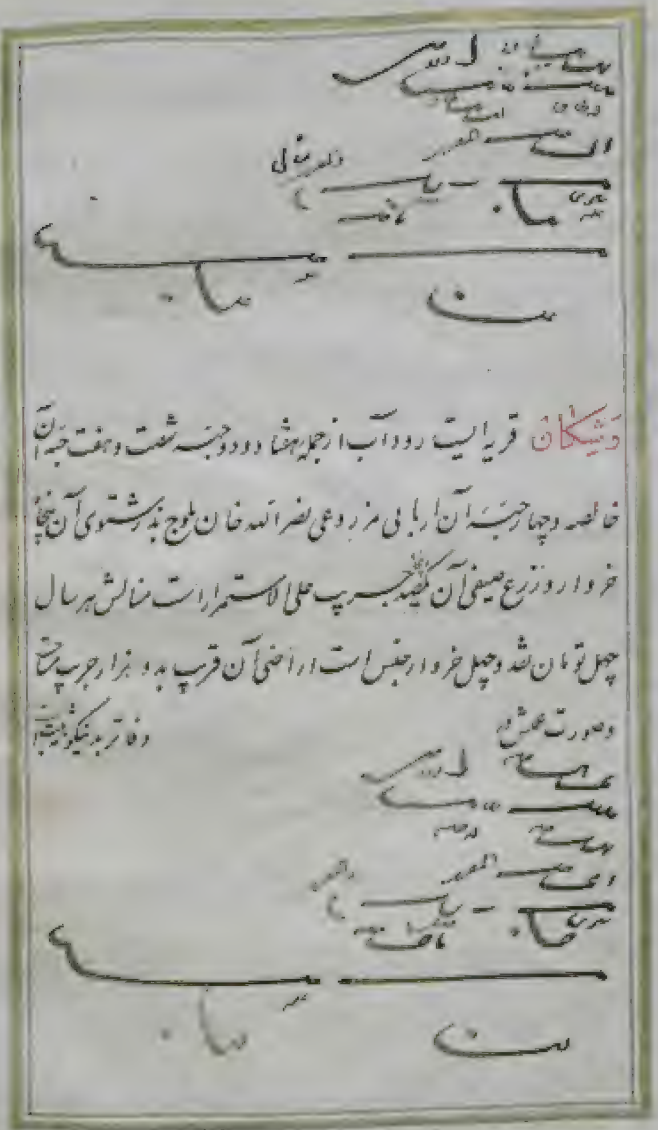

دشکان قریه ایست رود آب از جمله هشتاد و دو حبه شصت و هفت حبه آن خالصه و چهار حبه آن ارباب مزروعی نصرالله خان ملوج بدرشتوی آن پنجاه خروار زرع صیفی آن یکصد جریب علی الاستمرارات منالش هر سال چهل تومان نقد و چهل خروار جنس است اراضی آن قریب به دو هزار جریب پنجاه و صورت عمش دفاتر بدیگو

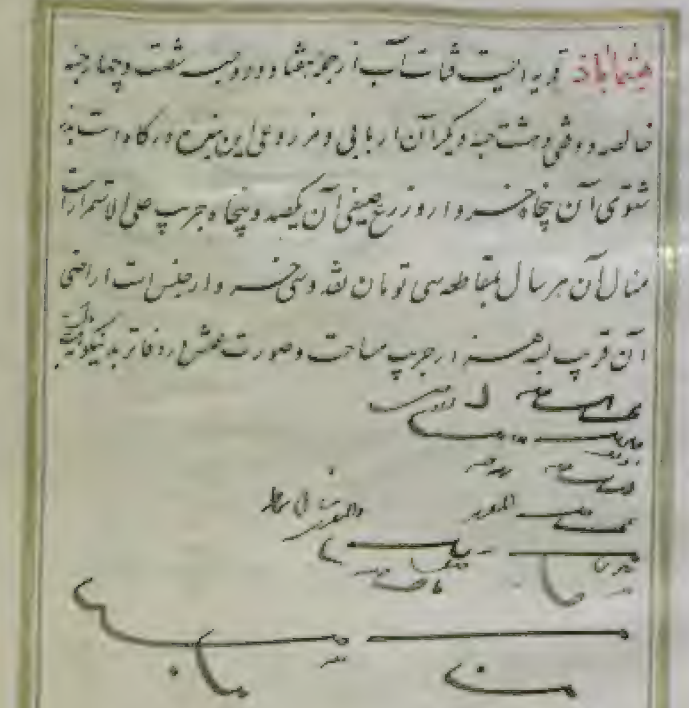

میناباد قریه ایست شش آب از جمله هشتاد و دو حبه شصت و چهار حبه خالصه دو شش و شصت حبه دیگر آن ارباب و مزروعی این بنج درکاه است بدرشتوی آن پنجاه خروار زرع صیفی آن یکصد و پنجاه جریب علی الاستمرارات منالش بمقاطعه سی تومان نقد و سی خروار جنس است اراضی آن قریب به صد هزار جریب مساحت و صورت عمش دفاتر بدیگو

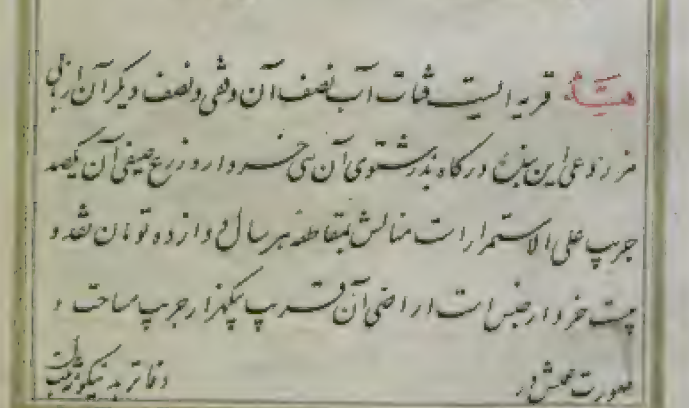

میمه قریه ایست شش آب نصف آن دو شش و نصف دیگر آن ارباب مزروعی این بنج درکاه بدرشتوی آن سی خروار زرع صیفی آن یکصد جریب علی الاستمرارات منالش بمقاطعه هر سال دوازده تومان نقد و بیست خروار جنس است اراضی آن قریب پنجاه هزار جریب مساحت و صورت عمش دفاتر بدیگو

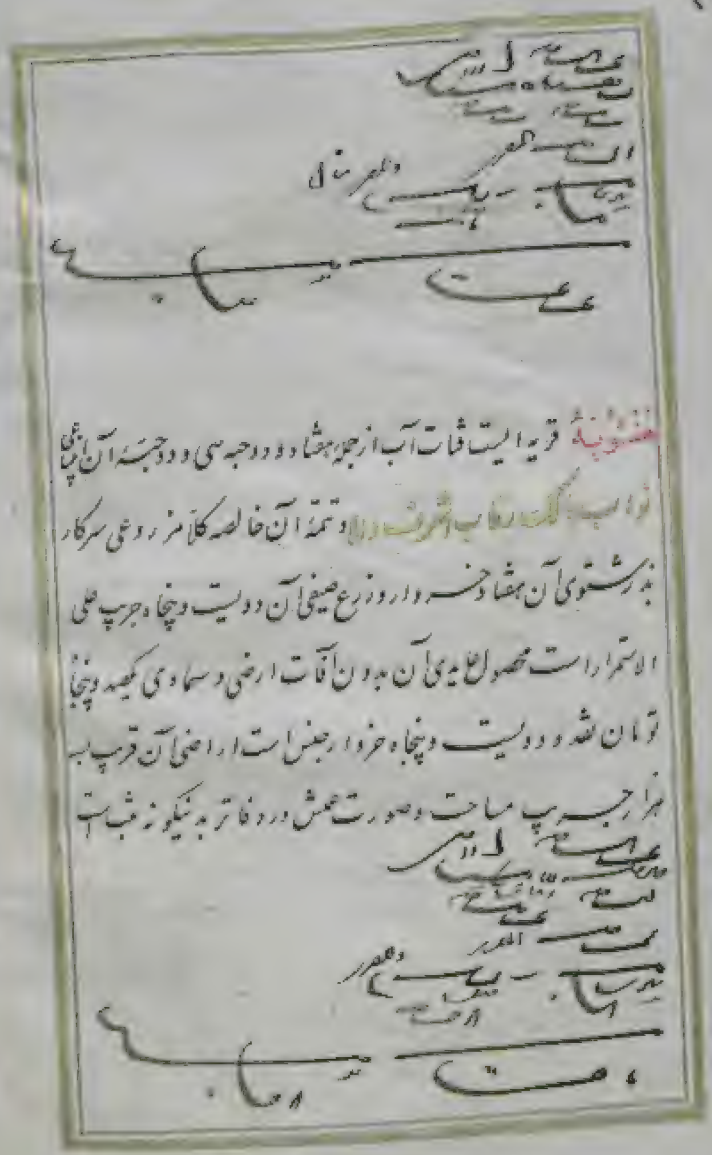

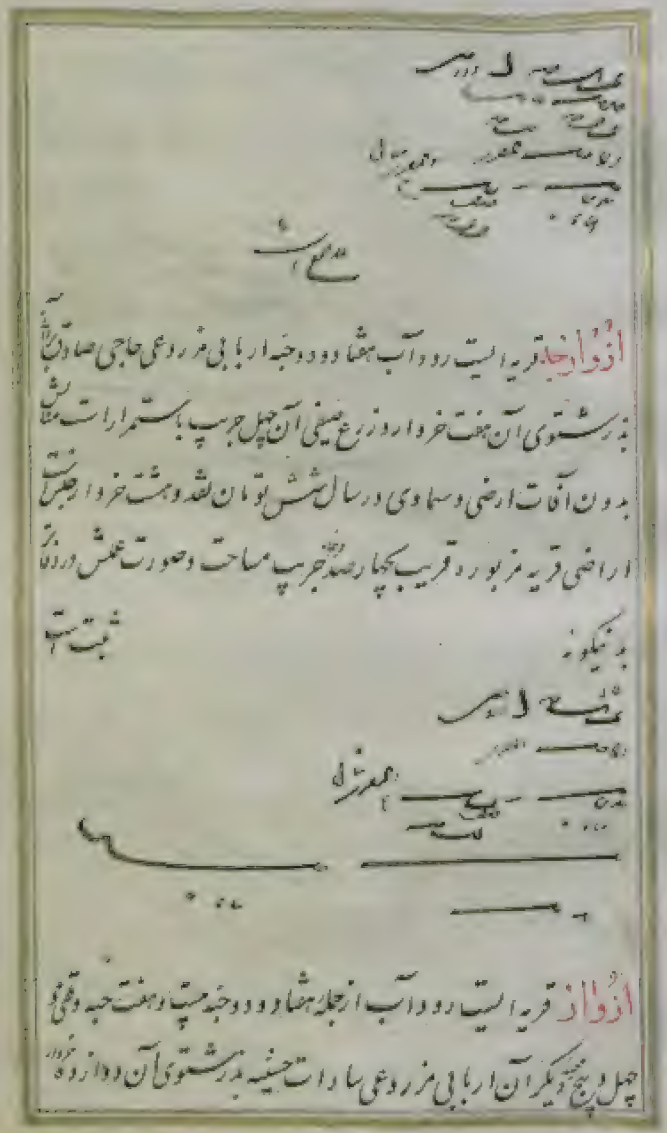

از زرع صیفی آن هفت جریب علی الاستمرار است مثال آن جو بیست و دو تومان
نقد و دو خروار جنس است اراضی آن قریب بهشتصد جریب مساحت و صورت
عمش در دفاتر
بنیکوه ثبت است

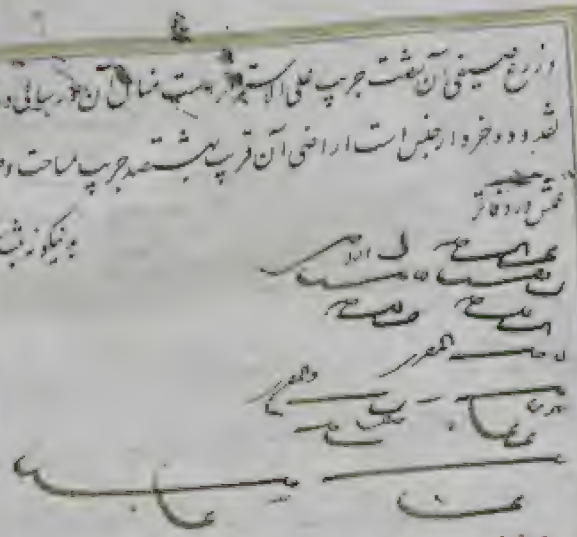

اشنبنا قریه ایست رود آب از جوبهشاد و دو وجه آن پنجاه و شش وجه
و نیم آن خالصه و وقفی و سیزده وجه و نیم آن ارباب مزروعی عالیجناب قدسی
القاب سیادت و سعادت انتساب افادت و افاضت اکتساب هدایت
و درایت مآب فضایل و معارف نصاب مجدت و محمدت اداب جامع
المعقول و المنقول حاوی الفروع و الاصول امام الایام مقتدی الانام مرجع
حوزة الاسلام قاید الخواص و العوام علامة متکلمان الدین کهف الحاج و المعتمرین
آقای سپهسالار العلمائی حاجی میرزا محمد حسینا دامت ظلال افضاله بدرشوی
آن چهل خروار و زرع صیفی آن هشتاد جریب علی الاستمرار است مثال آن بطایفه

سی تومان و سی خروار است اراضی قریه مزبور دویست جریب
مساحت و صورت عمش در دفاتر بنیکوه ثبت است

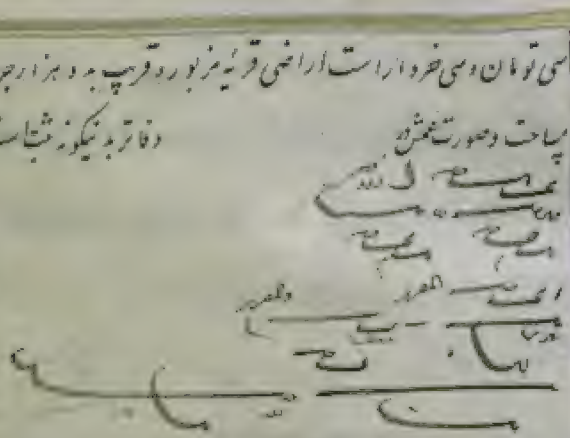

اشکبشان قریه ایست رود آب و قنات آب هشاد و دو وجه آن خالصه
و قفی مزروعی عالیجاه میرزا هاشم متولی مدرشوی آن سی خروار و زرع صیفی آن
هشاد جریب علی الاستمرار است مثال آن بطایفه هر سال دون آفات ارضی و
سماوی سی و شش تومان نقد و سی و شش خروار جنس است اراضی قریه مزبور دویست
و سه هزار جریب مساحت و صورت عمش در دفاتر بنیکوه ضبط و ثبت است

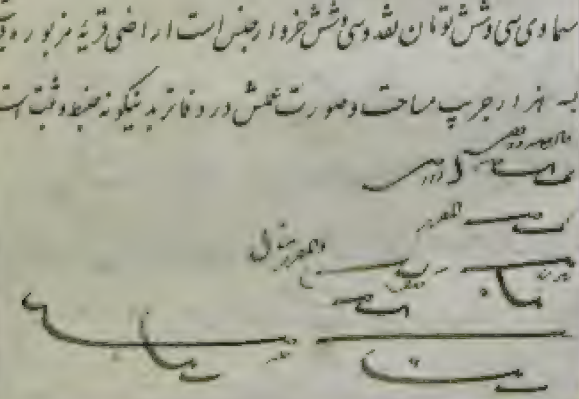

اصفهارنج قریه ایست رود آب بهشاد و دو حبه آن خالصه قدیم مزروعی سرکار
بدرشتوی آن سی خروار وزرع صیفی آن بهشاد جریب علی الاستمرار است محصول
عایدی سرکار بدون آفات ارضی و سماوی یکصد تومان نقد و یکصد و پنجاه خروار
جنس است اراضی قریه مزبوره قریب پنجاه و دو پانصد جریب مساحت
وصورت عمش در دفاتر بدیگونه ثبت است

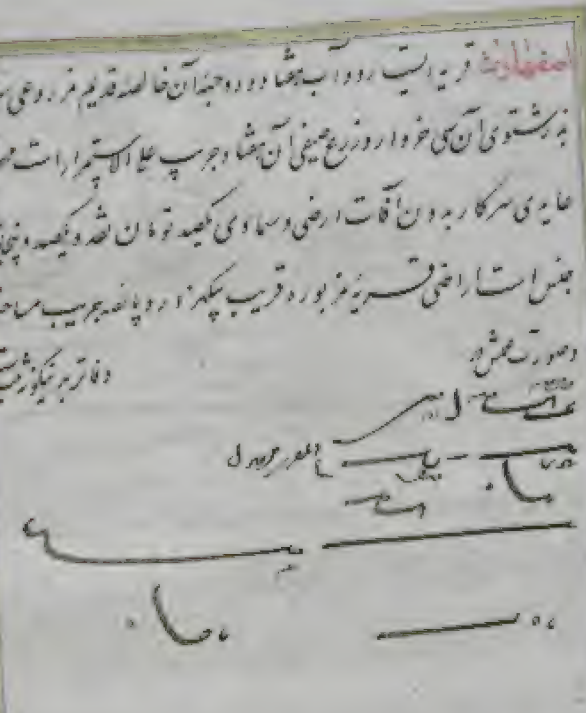

اصفهارنجها قریه ایست رود آب از جمله بهشاد و دو حبه آن دوازده
حبه وقفی و شصت حبه دیگر آن اربابی مزروعی رعایا بدرشتوی آن دوازده
خروار وزرع صیفی آن دوازده جریب علی الاستمرار است منال آن بدون
آفات ارضی و سماوی در سال دو تومان شصت خروار جنس است اراضی قریه مزبوره
قریب پنجاه و پانصد جریب مساحت وصورت عمش در دفاتر بدیگونه ثبت است

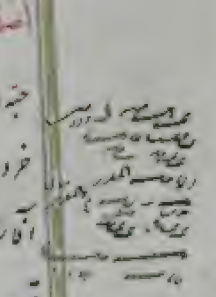

ایچی کرجکان دیه ایست مزبور بتمامه متعلق بیکدیگر همگی اربابی بالتمام و کرچکان
از جمله بهشاد و دو حبه سی و شش حبه خالصه و چهارده حبه دیگر آن وقفی و شصت
و یکحبه و نیم دیگر آن اربابی مزروعی سرکار هر سال بر حسب معین باربابان یک
اربابی و متولی وقف داده میشود بدرشتوی انهاء بهشاد خروار وزرع صیفی
انها چهار صد جریب علی الاستمرار است و محصول عایدی سرکار بدون
آفات ارضی و سماوی هر سال نقد سیصد و پنجاه تومان و جنسا چهار صد
خروار است و اراضی قریتین مزبورتین قریب بدو هزار و پنجاه جریب مساحت
وصورت عمش در دفاتر بدیگونه ثبت است

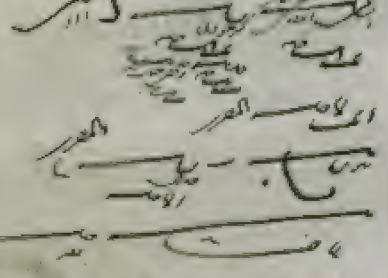

بوشبان قریه ایست رود آب بهشاد و دو حبه آن بالتمام خالصه قدیم مزروعی
نواب مالک رقاب اشرف اعلا بدرشتوی آن یکصد خروار وزرع صیفی آن
یکصد و پنجاه جریب علی الاستمرار است و محصول عایدی دیوان بدون آفات

ارضی اسماوی در سال یکصد و پنجاه تومان نقد و چهارصد و پنجاه خروار از جنس است
اراضی قریه مزبوره قریب شش هزار جریب مساحت و صورت عمل و
دفاتر بدینگونه
ثبت است

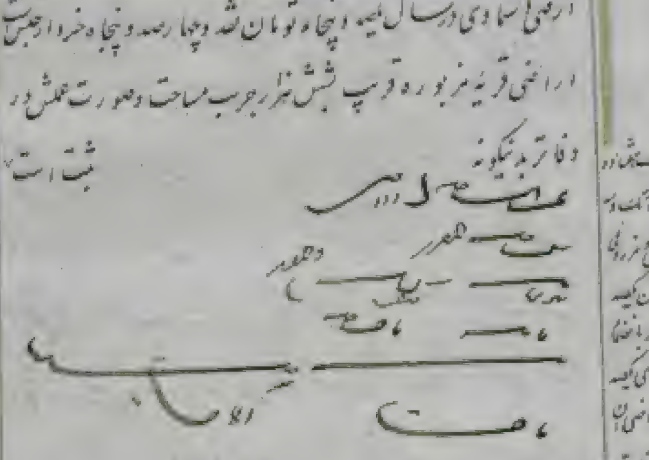

چهل قریه ایست رود آب از جمله هشتاد و دو حبه آن سی و هفت حبه خالصه
و سی و پنج حبه دیگر آن ارباب مزروعی رعایا بذرشتوی آن پست خروار
و زرع صیفی آن چهل جریب باستمرار است منالش در سال پست تومان نقد و
پست خروار جنس است اراضی قریه مزبوره قریب بده هزار جریب مساحت
و صورت عمل و
دفاتر بدینگونه ثبت است

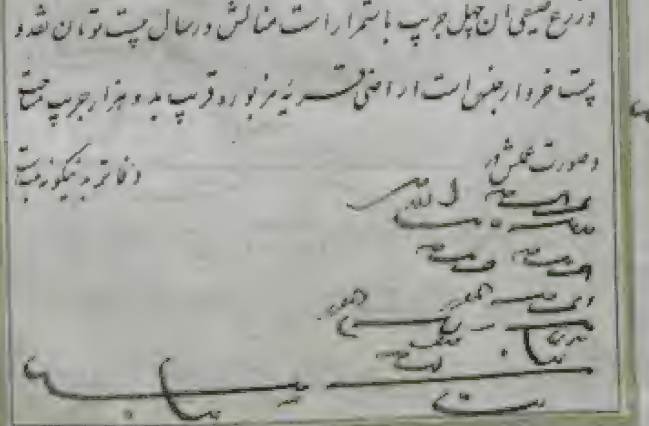

چهل و یک قریه ایست رود آب هشتاد و دو حبه آن ارباب مزروعی رعایا بذرشتوی آن
سید علی مستوفیت بذرشتوی آن دو خروار و زرع صیفی آن سی جریب
علی الاستمرار است منالش بقاطعه در سال ده تومان نقد و ده خروار جنس است
اراضی قریه مزبوره قریب پنجاه جریب مساحت و صورت عمل و دفاتر بدینگونه ثبت است

چهل و دو قریه ایست رود آب هشتاد و دو حبه آن ارباب مزروعی رعایا بذرشتوی آن پست خروار
و زرع صیفی آن سی جریب باستمرار است منالش در سال پست تومان نقد و پست خروار
جنس است اراضی قریه مزبوره قریب پنجاه جریب مساحت و صورت عمل و دفاتر بدینگونه
ثبت است

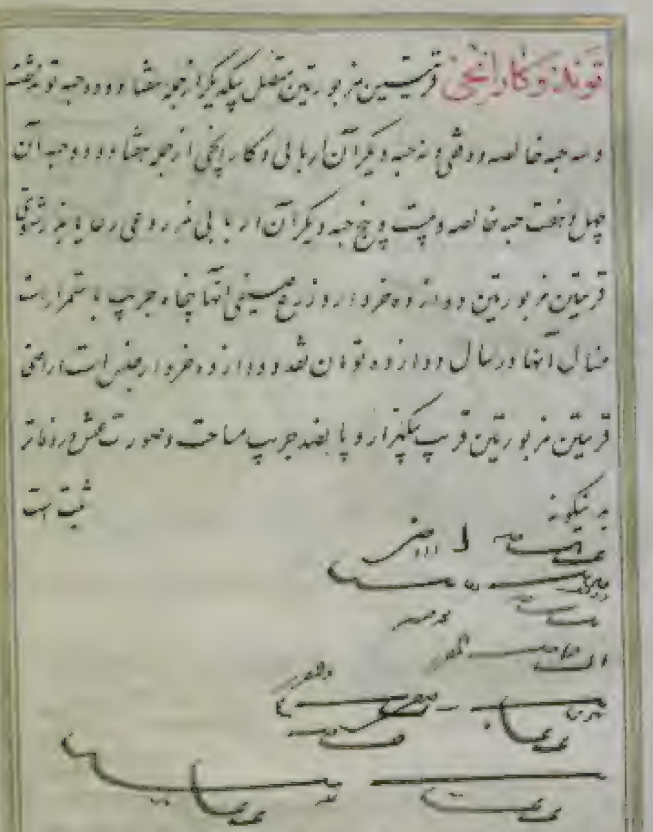

چهل و سه قریه ایست رود آب هشتاد و دو حبه آن ارباب مزروعی رعایا بذرشتوی آن پست خروار
و زرع صیفی آن چهل جریب باستمرار است منالش در سال پست تومان نقد و پست خروار
جنس است اراضی قریه مزبوره قریب بده هزار جریب مساحت و صورت عمل و دفاتر
بدینگونه ثبت است

چهل و چهار قریه ایست رود آب هشتاد و دو حبه آن ارباب مزروعی رعایا بذرشتوی آن
پست خروار و زرع صیفی آن چهل جریب باستمرار است منالش در سال پست تومان نقد و
پست خروار جنس است اراضی قریه مزبوره قریب بده هزار جریب مساحت و صورت عمل و
دفاتر بدینگونه ثبت است

چهل و پنج قریه ایست رود آب هشتاد و دو حبه آن ارباب مزروعی رعایا بذرشتوی آن
پست خروار و زرع صیفی آن چهل جریب باستمرار است منالش در سال پست تومان نقد و
پست خروار جنس است اراضی قریه مزبوره قریب بده هزار جریب مساحت و صورت عمل و
دفاتر بدینگونه ثبت است

چهل و شش قریه ایست رود آب هشتاد و دو حبه آن ارباب مزروعی رعایا بذرشتوی آن
پست خروار و زرع صیفی آن چهل جریب باستمرار است منالش در سال پست تومان نقد و
پست خروار جنس است اراضی قریه مزبوره قریب بده هزار جریب مساحت و صورت عمل و
دفاتر بدینگونه ثبت است

چهل و هفت قریه ایست رود آب هشتاد و دو حبه آن ارباب مزروعی رعایا بذرشتوی آن
پست خروار و زرع صیفی آن چهل جریب باستمرار است منالش در سال پست تومان نقد و
پست خروار جنس است اراضی قریه مزبوره قریب بده هزار جریب مساحت و صورت عمل و
دفاتر بدینگونه ثبت است

چهل و هشت قریه ایست رود آب هشتاد و دو حبه آن ارباب مزروعی رعایا بذرشتوی آن
پست خروار و زرع صیفی آن چهل جریب باستمرار است منالش در سال پست تومان نقد و
پست خروار جنس است اراضی قریه مزبوره قریب بده هزار جریب مساحت و صورت عمل و
دفاتر بدینگونه ثبت است

چهل و نه قریه ایست رود آب هشتاد و دو حبه آن ارباب مزروعی رعایا بذرشتوی آن
پست خروار و زرع صیفی آن چهل جریب باستمرار است منالش در سال پست تومان نقد و
پست خروار جنس است اراضی قریه مزبوره قریب بده هزار جریب مساحت و صورت عمل و
دفاتر بدینگونه ثبت است

پنجاه قریه ایست رود آب هشتاد و دو حبه آن ارباب مزروعی رعایا بذرشتوی آن
پست خروار و زرع صیفی آن چهل جریب باستمرار است منالش در سال پست تومان نقد و
پست خروار جنس است اراضی قریه مزبوره قریب بده هزار جریب مساحت و صورت عمل و
دفاتر بدینگونه ثبت است

پنجاه و یک قریه ایست رود آب هشتاد و دو حبه آن ارباب مزروعی رعایا بذرشتوی آن
پست خروار و زرع صیفی آن چهل جریب باستمرار است منالش در سال پست تومان نقد و
پست خروار جنس است اراضی قریه مزبوره قریب بده هزار جریب مساحت و صورت عمل و
دفاتر بدینگونه ثبت است

پنجاه و دو قریه ایست رود آب هشتاد و دو حبه آن ارباب مزروعی رعایا بذرشتوی آن
پست خروار و زرع صیفی آن چهل جریب باستمرار است منالش در سال پست تومان نقد و
پست خروار جنس است اراضی قریه مزبوره قریب بده هزار جریب مساحت و صورت عمل و
دفاتر بدینگونه ثبت است

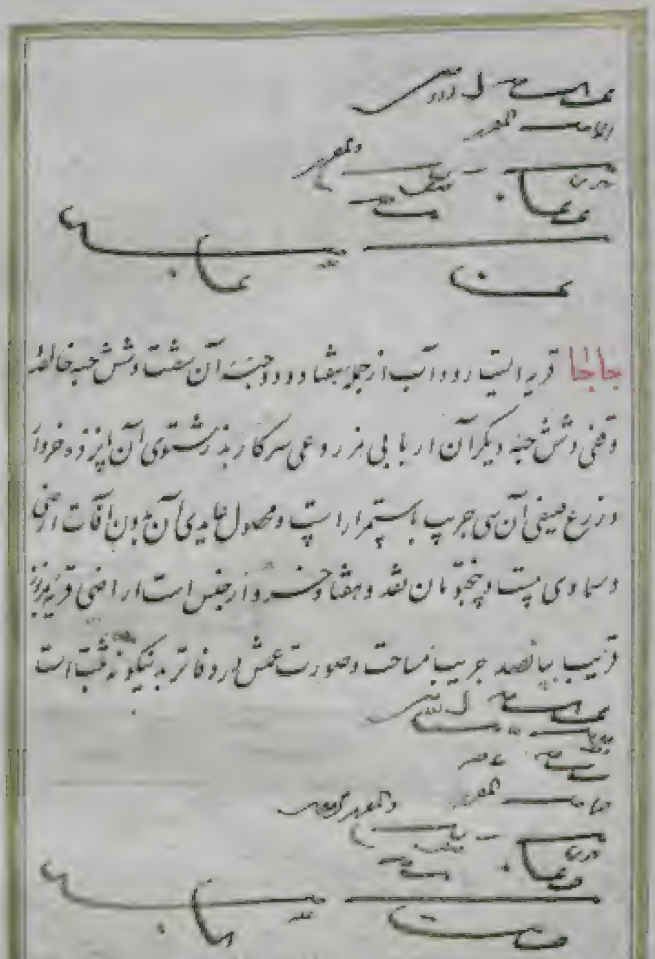

جاجا قریه ایست رود آب از جلو هشاد و دو جبه آن شصت و شش جبه خالصه
و قفی و شش جبه دیگر آن اربابی مزروعی سرکار بدرشتوی آن پانزده خروار
در زرع صیفی آن سی جریب باستمرار است و محصول عایدی آن بعد از آفات ارضی
و سماوی پست و پنج تومان نقد و هشاد خروار جنس است اراضی قریه مزبور
قریب بپانصد جریب مساحت و صورت عمش در دفاتر بدیگونه ثبت است

جاذ قریه ایست رود آب چهار دانگ آن املاکی سرکار و یکدانگ
آن وقفی و نیم دانگ آن خالصه و نیم دانگ دیگر آن اربابی غیر کار مزروعی

سرکار بدرشتوی آن هشاد و پنج خروار در زرع صیفی آن دویست جریب
علی الاستمرار است و محصول عایدی دیوان بعد از آفات ارضی و سماوی
در سال دویست تومان نقد و دویست و پنجاه خروار جنس است و اراضی
قریه مزبوره قریب بدو هزار جریب مساحت و صورت عمش در
دفاتر بدیگونه ثبت است

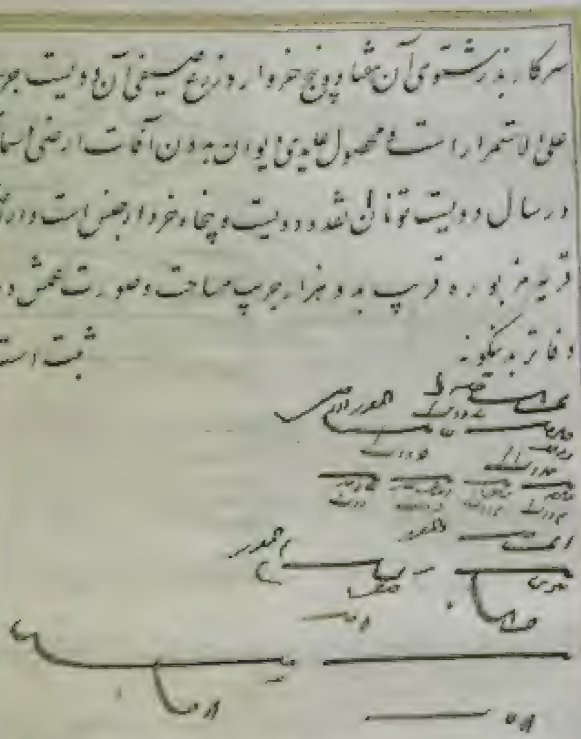

جوذ قریه ایست رود آب هشاد و دو دانگ از جلو شصت و شش جبه آن وقفی
و دوازده جبه آن اربابی مزروعی سرکار بدرشتوی آن سی خروار
در زرع صیفی آن پنجاه جریب علی الاستمرار است و محصول عایدی دیوان
بعد از آفات ارضی و سماوی رنج نماید پنجاه تومان نقد و یکصد و پنجاه
خروار جنس است اراضی آن قریب بپنجهزار جریب مساحت و صورت

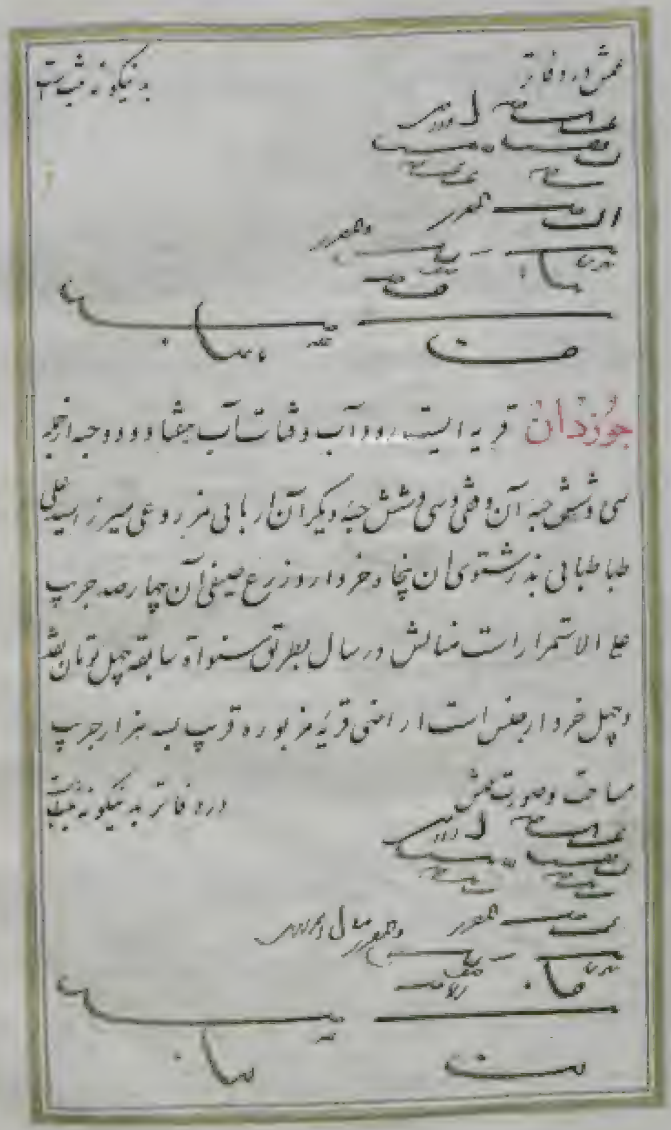

جوزدان قریه ایست رود آب وقنات آب هشتاد و دو وجه از جمله
سی و شش وجه آن وقفی و سی و شش وجه دیگر آن ارباب مزروعی سید زاهد علی
طباطبای بدرشتوی ان پانصد خروار و زرع صیفی آن چهارصد جریب
علی الاستمرار است مناش در سال بطریق سنوات سابقه چهل تومان نقد
و چهل خروار جنس است اراضی قریه مزبوره قریب به هزار جریب
مساحت و صورت همش

چرمهین قریه ایست رود آب هشتاد و دو وجه از جمله سی و شش وجه خالصه و
چهار وجه آن ارباب مزروعی عالیجناب قدسی القاب سیادت و نقابت
اکتساب هدایت و درایت مآب افادت و افاضت اکتساب محمدت بوجود
ادآب فضایل و معارف نصاب جامع المعقول و المنقول حاوی الفروع
و الاصول امام الایام مقتدی الانام مرجع حوزة الاسلام قایدالعلماء
و العوام علامة علاء الدین کهف الحاج و المعتمرین آقای سلطان العلماء
حاجی میرزا محمد حسن دامت ظلال افضاله بدرشتوی آن پانزده خروار
و زرع صیفی آن سی جریب علی الاستمرار است مناش هر سال دو تومان نقد
و ده خروار جنس است اراضی آن قریب پانصد جریب مساحت و صورت
همش

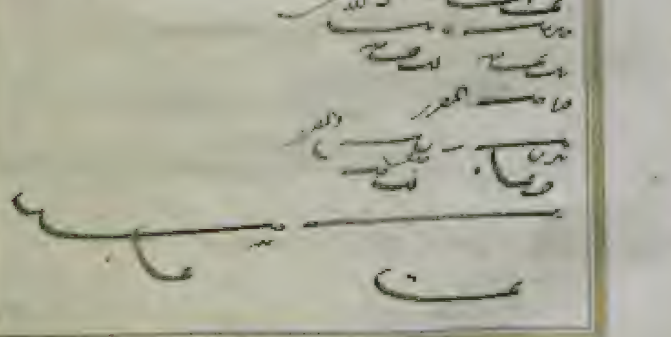

چم قریه ایست رود آب پنجدانگ آن آسیاهای سرکار و یکه انگ دیگر آن
وقفی نصف آن مزروعی سرکار و نصف دیگرش مزروعی رعایا بدرشتوی
آن دو جفت دارد و زرع صیفی او آنجا نمیشود محصول عایدی دیوان مبلغ
ارضی و سمادی بانضمام نصف مزروعی رعایا چهل خروار جنس است ارضی
قریب شش شصت جریب مساحت و صورت عمش در دفاتر بدینگونه ثبت است

دولاب قریه ایست رود آب هشتاد و دو جفت خالصه قدیم مزروعی سرکار
بدرشتوی آن سی خروار و زرع صیفی آن یکصد جریب علی الاستمرار است
محصول عایدی دیوان هر سال بدون آفات ارضی و سمادی یکصد تومان نقد
و یکصد و پنجاه خروار جنس است ارضی آن قریب یکهزار و پانصد جریب مساحت
و صورت عمش در دفاتر بدینگونه ثبت است

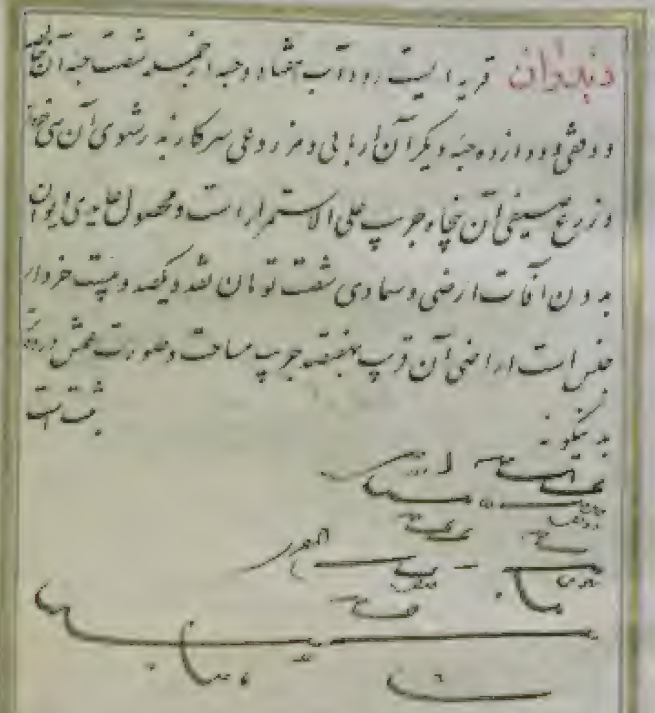

دنبدان قریه ایست رود آب هشتاد و دو جفت خالصه قدیم مزروعی سرکار بدرشتوی
و وقفی و دوازده جفت دیگر آن ارباب مزروعی سرکار بدرشتوی آن سی خروار
و زرع صیفی آن پنجاه جریب علی الاستمرار است و محصول عایدی دیوان
بدون آفات ارضی و سمادی شصت تومان نقد و یکصد و پنجاه خروار
جنس است اراضی آن قریب هفتصد جریب مساحت و صورت عمش در دفاتر
بدینگونه ثبت است

رحیم آباد قریه ایست قنات آب هشتاد و دو جفت آن ارباب
تراب اکنک رقاب اشرف و آلا بدرشتوی آن سی خروار و زرع
صیفی آن پنجاه جریب علی الاستمرار است محصول عایدی دیوان هر سال
بدون آفات ارضی و سمادی شصت تومان نقد و نود خروار جنس است
اراضی آن قریب پنجاه جریب مساحت و صورت عمش در دفاتر بدینگونه

دوران قریه ایست رود آب هشاد و دو جبه آن خالصه قدیم مزروعی
سرکار به رشتوی آن خروار و زرع صیفی در آنجا نمیشود و محصول عایدی
بدون آفات ارضی و سماوی خروار جنس است اراضی آن قرب
پنجهزار ذرع ویست جرب مساحت و صورت عملش در دفاتر به نکونه ثبت

زباد قریه ایست رود آب هشاد و دو جبه از جمله شصت جبه آن اپتیاق
دوازده جبه دیگر ارباب غیر کلا مزروعی سرکار به رشتوی آن سی خروار
وزرع صیفی آن نود جرب علی الاستمرار است محصول عایدی دیوان
بدون آفات ارضی و سماوی هر سال شصت تومان نقد و یکصد و بیست خروار
جنس است اراضی آن قرب شصت جرب مساحت و صورت عملش در
دفاتر به نکونه ثبت است

موسیان و سایر قراجه مذکور مزروعی سرکار به رشتوی
و کلهبر زا قاسم موسیان مزروعی

قریه است از جمله هشاد و دو جبه پست و چهار جبه آن خالصه
و چهل و شش جبه دیگرش ارباب به رشتوی آن پست و پنج خروار وزرع
صیفی و شلتوک آن یکصد و پست جرب علی الاستمرار است منال آن موافق
ثلث و خمس پنانچه آفات ارضی و سماوی رخ ننماید سی تومان نقد و سی خروار آنجنس
غله و شصت خروار شلتوک است اراضی آن قرب دو هزار جرب و صورت
عملش در دفاتر بدین کونه ثبت است

جنبن آباد مزروعی ایضا قریه است رود آب هشاد و دو جبه
از جمله سی و شش جبه آن خالصه و سی و شش جبه دیگرش ارباب پنج
شتوی آن پانزده خروار وزرع صیفی و شلتوک آن پست جرب و
منالش موافق ثلث و خمس هرگاه آفات ارضی و سماوی رخ ننماید

ده تومان نقد و بیست خروار جنس غله و دو خروار شلتوک است اراضی
قریه مذبوره قریب بجریب است و صورت عملش از این قرار است

قوداب علی مزروعی قریه ایست رود آب و هشاد و دو جبه اراضی
بذر شتوی آن ده خروار و زرع صیفی و شلتوک آن چهل جریب علی
الاستمرار است منال آن هرگاه آفات ارضی و سماوی رخ ننماید دو تومان
نقد و بیست خروار جنس غله و دو خروار شلتوک است اراضی قریه مذکور
قریب بششصد جریب مساحت و صورت عملش در دفاتر مذکور است

قوداب ثانی مزروعی ایضاً قریه ایست قنات آب هشاد و دو جبه اراضی
بذر شتوی آن هشت خروار و زرع صیفی آن چهل جریب علی الاستمرار

منال آن چنانچه آفات ارضی و سماوی رخ ننماید دو تومان نقد و ده خروار
جنس است اراضی قریه مزبوره قریب ششصد جریب است و صورت
عملش در دفاتر

هاشم آباد مزروعی ایضاً مزرعه ایست قنات آب جدید النش هشاد
و دو جبه اراضی ملاحم است **میانی مزروعی رشید** قریه ایست رود آب
هشاد و دو جبه
مزروعی آقا محمد مهدی قهدریجانی بذر شتوی
آن شش خروار و زرع صیفی ندارد و یکصد جریب شلتوک علی الاستمرار مزروع
منالش در جزو دیات مزروعی آقا محمد مهدی است و صورت عملش این است

ملکان مزرعه ایست رود آب هشاد و دو جبه اراضی مزروعی رعایا

بذرشتوی آن پیش خروار و زرع صیفی ندارد و پانزده جریب شلتوک
علی الاستمرار است اراضی مزرعه مزکوره قریب سیصد جریب و صورت عملش
در دفاتر بدینگونه ثبت و ضبط است

نظام آباد قریه ایست رود آب و هفت آب هفتاد و دو حبه از جمله
شصت و چهار حبه آن خالصه هشت حبه دیگرش ارباب لیکن خراب و منهدم
بود چند سال است که میرزا ابوالقاسم منشی سرکار آباد کرده و زراعتی میکنید منش
چون جدید التاسیس است

هوبه قریه ایست رود آب هفتاد و دو حبه خالصه قدیم مزروعی آقا محمد
مهدی قهدریجانی و آقا عبدالله زرگش است بذرشتوی آن پنج خروار و زرع
صیفی و شلتوک آن قریب پنجاه جریب علی الاستمرار است منالش سرکار و آقایان
ارضی و سماوی رنج نه نماید سی تومان نقد و پنجاه خروار جنس و دو خروار شلتوک
لاکن چون آقا محمد مهدی زراعت مینماید دیوانیان موافق قاعده جمع

انجار

آنجارا اکثر منظور داشته و میدارند اراضی قریه مزبوره قریب پنجاه جریب
و صورت عملش در دفاتر بدین گونه ثبت و ضبط است

قرای بلوکی که در حدود آنجا واقع است حسب الفرمان سارک از
مالیات و حواله جات معاف و مسترد

آزره قریه ایست رود آب هفتاد و دو حبه از جمله حسب الفرمان
مشاجران بتول میر محمد حسین واعظ مقرر است منال آن در هر دو
تیولات سی تومان نقد و هشت خروار جنس است که همه ساله معاف و
واز حواله جات مسلم است

خوجیلا قریه ایست رود آب هفتاد و دو حبه از جمله سی و سه حبه آن خالصه
سی و سه حبه دیگرش ارباب حسب الفرمان مشاجران بتول میر محمد حسین

واحظ مقرر است منالش در خرو تیولات شانزده تومان نقد پنجاه
و پنج خروار جنس دوازده خروار شلتوک معاف و از حوالجات مسلم است

دزجزین قریه ایست رود آب هشاد و دو حبه از جمله یازده حبه آن خالصه
و شصت و یکحبه دیگرش ارباب حسب الفرمان قضا جریان تیول جناب امام
جمعه مقرر است منال آن در خرو تیولات چهل تومان نقد و بیست خروار
جنس و بیست خروار شلتوک است که همه سپاه معاف و مسلم است

دکشلو قریه ایست رود آب هشاد و دو حبه از جمله بیست حبه و نیم آن
خالصه و پنجاه و یکحبه دیگرش ارباب تیول حاجی میرزا احمد علی منالش حسب
الفرمان قضا جریان مبارک در خرو تیولات پانزده تومان نقد و پانزده

خروار جنس غله و پانزده خروار شلتوک معاف و از حوالجات دیوانی
مسلم است

زفره قریه ایست رود آب هشاد و دو حبه حسب الفرمان
قضا جریان مبارک تیولی سادات ایامی منالش در خرو تیولات پنجاه
تومان نقد و شصت خروار جنس غله و چهل خروار شلتوک معاف و از حوالجات
مسلم است

شلوان قریه ایست رود آب هشاد و دو حبه خالصه و قسمی تیولی میرزا

زین العابدین وزیر موقوفات منالش در خرده تیولات پانزده تومان
نقد و یکصد و پنجاه خروار جنس و یکصد و نوزده خروار شلتوک و از
حوالجات معاف و مسلم است

کاریغه قریه ایست رود آب هشاد و دو حبه حسب الفرمان هشا
جریان مبارک تیولی عالیجناب حاجی سید منالش در خرده تیولات
چهل تومان نقد و چهار خروار و هشتاد من جنس خله معاف و از حوالجات مسلمست

دندلرت قریه ایست رود آب هشاد و دو حبه از جمله حسب الفرمان
هشا جریان مبارک تیول میر محمد حسین داغستانی منالش در خرده تیولات

قلاوریان قریه ایست رود آب هشاد و دو حبه خالصه یم مزروعی
سرکار بذر شلتوی آن پنجاه خروار و زرع چیمنی و سرخوس آن سیصد
جریب علی الاستمرار است محصول عایدی سرکار چنانچه آفات ارضی و
سماوی رخ ننماید سیصد و پنجاه تومان نقد و دویست خروار جنس خله
و یکصد و چهل خروار شلتوکست اراضی قریه مرکوره قریب بسه هزار جریب
و صورت عملش در دفاتر مبین کونه ثبت و ضبط است

قیه بخان رود آب و قناة آب اصل قریه مزبوره
خالصه و مزارع تابعه آن از بابی کلاچهار ده طاق مشخص از جمله یکطاق نیم آن
ابتیاعی و مزروعی سرکار بذر یکطاق و نیم مزروعی سرکار شانزده خروار خله
و زرع چیمنی و شلتوک آن یکصد و پنجاه جریب و محصول عایدی سرکار از آنات
یکطاق و نیم دویست و هشاد تومان نقد و قیمت خله و بیست خروار شلتوک است

و یکطاق دیگر موقوفه از بابت یکطاق دیگرش مزروعی آقا محمد مهدی قهدرجانی
و بطرق جنس بابت نقد و جنس در خرو قرا مزروعی مشارالیه جمع است بقیه
دیگرس که یازده طاق دگری است مزروعی از اسیم خان ناظر و چنانچه موافق
قاعده که قبل ازین محبه سرکار دیوان زراعت میشد حاصل آنرا ضبط کنند
نقد اجناس شلتوکا دو هزار پانصد تومان عاید می شود لیکن مشارالیه فرمان
مقاطعه صادر کرده است که بانضمام دو قریه دگر دارجان و خلیل آباد را در
سالی ششصد و پنجاه تومان بطرق مقاطعه بسرکار دیوان بدهد و دیوانیان
هم حسب الفرمان قضا جریان زیاده بر ششصد و پنجاه تومان ابوابجمع نمینمایند
اراضی قریه مزبوره بسیار است و صورت عملش در دفاتر پیشکار ثبت است

کلیشاد قریه ایست رود آب و قناة آب از جمله هشتاد و دو حبه شصت
و چهار حبه آن خالصه و هشت حبه دیگرش ارباب پنج دانگ آن مزرعی

سرکار و یکدانگ دیگرش مزروعی آقا محمد مهدی و حاجی سید محمد باقر کلیشادی
بذر شتوی آن هشتاد خروار و زرع صیفی و شلتوک آن پانصد جریب علی الاستمرار
محصول عایدی سرکار بانضمام منال یکدانگ مزروعی آقا محمد مهدی و حاجی
سید محمد باقر کلیشادی یکهزار پیصد تومان نقد اجناس دویست و بیست خروار
شلتوک است اراضی قریه مزبوره قریب پنجهزار جریب و صورت عملش
در دفاتر بدین گونه ثبت و ضبط است

کوپان قریه‌ایست رود آب از جمله هفتاد و دو وجه چهل و نه وجه و نیم آن خالصه
و وقف و پنجاه و دو وجه و نیم دگرش ارباب ده وجه از جمله هفتاد و دو وجه آبیاری
و مزروعی سرکار مذکر شتوی آن بانضمام رسد میرزا محمد علی و رعایا پنجاه
خروار و زرع صیفی و شلتوک آن یکصد و پنجاه جریب و محصول عایدی سرکار
بانضمام منال مزروعی میرزا محمد علی و رعایا بر کاه آفات ارضی و سماوی
رخ نماید یکصد تومان نقد و هشتاد و پنج خروار جنس غله و پنجاه خروار شلتوک
اراضی قریه مزبوره قریب سه هزار و پانصد جریب است و صورت عملش
در دفاتر ثبت و ضبط است

کرمکان قریه‌ایست رود آب هفتاد و دو وجه خا[illegible] بدهم قبل ازین مزروعی
میرزا حسین پسر تنی بود و رنده آنسه پنجاه مثل مزروعی سرکار است بذر
شتوی آن سی شش خروار و زرع صیفی و شلتوک آن دویست جریب علی
الاستمرار است و محصول عایدی سرکار بر کاه آفات ارضی و سماوی رخ
نماید یکصد سی تومان نقد و یکصدی خروار جنس غله و هشتاد خروار شلتوک است
اراضی قریه مرقومه قریب سه هزار جریب و صورت عملش در دفاتر ثبت است

کاریاسه قریه‌ایست رود آب هفتاد و دو وجه خالصه قدیم مزروعی
میرزا محمد علی کلانتر بذر شتوی آن پانزده خروار و زرع صیفی و شلتوک
آن هفتاد جریب علی الاستمرار است منال آن سرکار بطریق ثلث عمل
نمایند که قاعده خالصه است پنجاه تومان نقد و چهل خروار جنس غله و بیست
خروار شلتوک است لیکن در جزو معامله الجان مالیات قریه مذکوره موافق

ممیزی مشارالیه پنج خروار ابوالجمع وصورت عملش در دفاتر پیدا نگشت
ثبت د ضبط است

کاشان قریه است رود آب از جمله هشتاد و دو حبه دوازده حبه آن خالصه
و شصت حبه دیگرش وقفی مزروعی میرزا خلیفه خبر قریه است بذر شتوی آن
سی خروار وزرع صیفی و شلتوک دویست جریب علی الاستمرار است مالیات
دیوانی نقد اجناسا بانضمام شلتوک دویست و پنجاه تومان نقد و هشتاد خروار
شلتوک اراضی قریه مزبوره قریب سیصد جریب وصورت عملش از ایراد

مزارع بخویت که در ذیل مفصل و مرقوم گردیده است خیرآباد
مزرعه ایست قنات آب ارباباً بالتمام خراب و بایر بلاجمع ویرآباد
مزرعه ایست قنات آب جدید النبق کلا ارباباً بذر شتوی آن پانزده
خروار وزرع صیفی در آن نمیشود چون جدید النبق است بلاجمع است
سامزی مزرعه ایست خالصه بالتمام ده خروار بذر در آن زراعت
میتوان نمود کلا خراب و بایر و لم یزرع و بلاجمع است شاه آباد
مزرعه ایست اربابی جدید النبق است و بلاجمع شاه کرم
مزرعه ایست اربابی جدید النبق است و بلاجمع فنگ آباد
مزرعه ایست اربابی جدید النبق و خراب چند سال بود که در آن
هیچ وجه زراعت نمیشد در بذه السنه که متدرک تنکوزیل است قلیل بذر
شتوی در آن کشته شده است تابع قلعه ترکان مزرعه ایست کلا اربابی
خراب و بایر و بلاجمع نودا مزرعه ایست شد انکمان اربابی خراب و بایر

مجلس شورای ملی
کتابخانه

۹۹۰۱